



مدارس خراسان
در سال ۱۳۳۷ قمری / ۱۲۹۸ شمسی
(۲)

علی کریمیان

بخش اول مقاله پیش رو، در همین فصلنامه (گنجینه اسناد، دفتر سوم و چهارم، ۱۳۸۱ش.) به چاپ رسید که دارای مقدمه‌ای حاوی مطالب نوظهوری است که درباره مدارس مشهد بود. اما در این مقاله - که شماره دوم از مقاله پیشین محسوب می‌شود - مباحث مطرح خواهد شد که دربرگیرنده تاریخ مدارس دولتی بلوکات توابع مشهد، شامل: چهار مدرسه طریقه، رادکان، چناران و طرق و کلیه مدارس ولایات خراسان است و اینک مجال پیش آمده، به بررسی و چگونگی تشکیل آن مدارس و مطالبی درباره آنها - که منحصرأبه سال ۱۲۹۸ش. مربوط می‌شود - می‌پردازیم.

در خور یادآوری است که با غور و مذاقه در منابع و مآخذ معتبر ولایات خراسان و کسب آگاهی از تاریخ مدارس مورد پژوهش، نگارنده این سطور، به دیدگاهی رسید که نشان می‌دهد این موضوع بقدری وسیع و گسترده است که جا دارد کتابی مستقل و در عین حال مفصل در این شاخه از خراسان پژوهشی نگاشته شود. از این رو، امید است خداوند متعال، نگارنده را یاری فرماید تا پس از چاپ این مقاله، در ادامه راه درصدد برآید تا مجموعه کامل تری از اسناد و منابع مدارس خراسان بخصوص در فاصله زمانی انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۲۰ش. جمع‌آوری نماید و در این مسیر، تحقیق مناسبی به جامعه علمی و مورخان کشور، تقدیم نماید.

در سال ۱۳۲۳ق. به واسطه مخالفت مردم با عین الدوله صدر اعظم و فراهم شدن زمینه انقلاب مشروطیت، فعالیتهای اساسی صورت گرفت که بی‌درنگ دامنه انقلاب، به مشهد و سایر شهرهای بزرگ ایران هم کشیده شد. مردم، علیه دولت اظهار مخالفت کردند. در جراید وقت نیز، مقالاتی راجع به لزوم تجدید و برطرف کردن اوضاع استبداد آن عهد منتشر می‌شد. در نتیجه این تحولات، جمعی از تجار برای تعلیم و تربیت اطفال، دو باب مدرسه ابتدایی در مشهد دایر کردند (۱) با فووت مظفرالدین شاه در چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ق. و به دنبال آن به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه و به مناسبت اعطای مشروطیت، جشنهای مفصلی میان طبقات مختلف برپا شد. (۲) سپس، انجمنهای متعددی از قبیل: انجمن ایالتی و بلدی، مجامع ملی، احزاب و مؤسسات معارف به وجود آمد. انجمن خیریه سعادت نیز، تشکیل و مدارس جدیدی از قبیل: مدرسه رحیمیه، اتحادیه و غیره دایر کردند (۳) و در پی آن (پس از انقلاب مشروطیت)، تعداد زیادی از مدارس نوین تأسیس گردید. شادروان دکتر محمد اسماعیل رضوانی، در این باره نوشته است:

«... شور و شوق مردم در تأسیس مدارس جدید، به حدی بوده است که اکنون مطالعه آن، مایه حیرت و شگفتی می‌گردد؛ شور وطن پرستی و علاقه مندی به ترقی و تعالی وطن، تا چه پایه باشد که در بجهوه فقر و ناتوانی و بی‌معلمی، در مدتی کوتاه، سی و شش باب مدرسه، آن هم فقط در تهران تأسیس گردد! مخارج این مدرسه‌ها، از کیسه فتوت افراد نیکوکار تأمین می‌شد. کمک وزارت علوم و معارف - که فقط یک مدرسه یعنی دارالفنون را اداره می‌کرده است - بسیار ناچیز بوده (...)(۴)»

در خراسان (مشهد) نیز، حزب دموکرات تشکیل شد. یکی از اهداف این حزب، تشکیل انجمنهای فرهنگی - ملی و فعالیتهای عام المنفعه و از آن جمله: دایر کردن اداره بلدی و معارف در مشهد بود و رؤسای نیز از مرکز جهت تصدی این ادارات، اعزام شدند. (۵)

بدین ترتیب، روند تأسیس مدارس در خراسان، بخصوص [در] مشهد و

بیرجند، همانند سایر نقاط ایران ادامه داشت تا اینکه محمد حسن خان ملک الحکما، (۶) در سال ۱۳۲۳ق. از طرف وزارت معارف دستور و اجازه یافت در توسعه معارف خراسان اقدام نماید. او نیز در بدو امر، در جهت بسط و توسعه معارف در خراسان تلاش کرد؛ ولی با بروز حوادث و وقایع [بمباران حرم مطهر امام رضا (ع) توسط روسها] مصادف و بدین سبب مدتی بیمار و روند تأسیس مدارس کند شد؛ تا اینکه میرزا مرتضی قلی خان طباطبائی به تولیت آستان قدس و ملک الحکما، بار دیگر به وظایف صحیه و امور معارفی مشغول گردید و آنچه در باب توسعه معارف در نظر داشت، به منصفه ظهور رسانید. (۷)

در این برهه با گسترش مدارس نوین در کشور، می‌بایست اداره آنها نیز نظم و نسقی می‌یافت. به این سبب از سال ۱۲۹۸ش. وزیر معارف، در رأس کلی تشکیلات وزارت معارف قرار گرفت و به موجب قانون اداری مورخ بیست و هفتم شعبان ۱۳۲۸ق. مطابق با یازدهم سنبله (شهریور) ۱۲۸۹ش. وزارت معارف، دارای ادارات معینی شد؛ و به موجب ماده دوم قانون مذکور، وظایف و اختیارات او مشخص شد و بر آن اساس، وزیر معارف، مسئول صحت معارف و اجرای قوانین موضوع و تهیه موجبات تعلم اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه، عالی و تشکیلات ادارات معارف ایالات و ولایات و داشتن روابط معارفی با سایر کشورها گردید، (۸) و همانطور که در مقاله پیشین نیز گفته شد، از سال ۱۲۹۷ش. معارف جدید توسعه پیدا کرد و عده‌ای از خیرین و انجمنهای معارف، در شهرهای بزرگ اقدام به تأسیس مدارس کردند (۹) و با اینکه تعدادی از مدارس دولتی و ملی از قبل تأسیس شده بود، طبق ماده هشتم قانون اساسی معارف (مصوب ۱۳۲۹ق. ۱۲۸۹ش.)، مدارس دیگری نیز به شیوه گذشته به وجود آمد. این مدارس، از لحاظ تشکیلات و بودجه، به دو گروه تقسیم می‌شدند: مدارس رسمی و غیررسمی یا مدارسی که بانی مخصوصی داشتند. مدارس غیررسمی، عبارت بودند از: مکتبخانه‌ها و مدارس خصوصی - که معروف به مدارس ملی بودند - و همچنین مدارس خارج و مدارس علوم دینی.

مدارس ملی، تا این زمان توسط اشخاص یا هیئتهای خیریه و انجمنهای معینی تأسیس و اداره می‌گردید و تا مدتی به طور مستقل عمل می‌کردند. مدارس دولتی هم شامل مدارسی می‌شد که با بودجه دولت دایر می‌شد و فعالیت می‌کرد و از نظر اداری، تحت مدیریت دولت تأسیس می‌شدند و به فعالیت می‌پرداختند. (۱۰)

همانطور که گفته شد، در سال ۱۲۹۸ش. در خراسان نیز همانند اقصی نقاط کشور، مدارسی تأسیس شد که از اهمیت بیش تری نسبت به سالهای قبل برخوردار بودند. از این رو، سعی نگارنده بر آن است که در این مقال، کل مدارس بلوکات مشهد و ولایات خراسان را، مورد بررسی جزئی قرار دهد.

در این قسمت، ابتدا اطلاعات و آمار مربوط به کلاس مدارس بلوکات مشهد اعم از: تاریخ تأسیس، پایه‌های تحصیلی، تعداد محصلان هر پایه، معلمان و اسناد مربوط به هر مدرسه آورده شده، سپس احصائی هریک از مدارس به تفکیک خواهد آمد.

مدارس دولتی بلوکات توابع مشهد مقدس

بلوکات توابع مشهد، دارای چهار مدرسه طرق، رادکان، چناران و طریقه بود. این مدارس، دارای دو پایه تحصیلی بود که در کلاس اول ۸۲ نفر شاگرد و در کلاس دوم ۴۴ نفر به تحصیل مشغول بودند. کوچکترین شاگرد کلاس اول این مدارس ۶ سال و بزرگترین آنها ۱۶ سال؛ و در کلاس دوم کوچکترین

و همچنین آقا میرزا حسن (نماینده معارف و معلم مدرسه دولتی شیروان) با ۳۵ ساعت تدریس، بیشترین ساعات تدریس را داشته‌اند.

- حقوق معلمان بجز دو نفر: میرزا علی (معلم حسن خط مدرسه دولتی قوچان) و آقا غلامرضا (مدیر شاپور نیشابور) - که افتخاری بودند - مابقی حقوقشان بین ۶۰ تا ۲۸۰ تومان در سال بوده است.

- از آنجا که در این برهه، مدرسه شوکتیه نسبت به سایر مدارس دیگر ایالات خراسان از امتیاز، اصالت و قدمت بیش تری برخوردار بود و از سویی آوازه آن در کشور گسترده بود، به این جهت تعداد بیشماری از طالبان دانش را به سوی بیرجند می‌کشاند؛ بدین سبب احصائی (آمار) آن جدا از سایر مدارس، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدرسه شوکتیه در سال ۱۲۹۸ ش.، ۲۰۹ محصل داشته که در هشت پایه به تحصیل مشغول بوده‌اند. تعداد محصلان هر یک از محلات بیرجند (پایین شهر، بالای شهر، سراب و خیرآباد)، به تفکیک معین گردیده، همچنین وضعیت حفظ الصحة شاگردان، ابعاد کلاسها، وضعیت روشنایی کلاسها، تجهیزات و تأسیسات آن، بدقت مورد بررسی قرار گرفته، همراه با سایر اسناد مدرسه مذکور آورده شده است.

مدارس بجنورد

تأیید از تأسیس مدارس جدید، مکتبخانه‌های متعدد و مدارس علمیه در این شهرستان وجود داشت که از آن جمله می‌توان از مدرسه شیخ اندغان و مدرسه علمیه سلطانیه و... نام برد. (۱۳) اما مدارس جدید: مدرسه شجاعیه، در سال ۱۳۲۵ ق. / ۱۲۸۶ ش. افتتاح شد. بانی مدرسه، شجاع الممالک بجنوردی از رؤسای بجنورد بود. این مدرسه، برای آموزش اطفال یتیم و مسکینهای بجنورد بنا شد. خود وی، تعهد نموده بود که مخارج پانزده نفر از اطفال یتیم مدرسه را تأمین کند. (۱۴) سلطان العلمای خراسانی - که از جمله شهدای پیشرو و تجددخواه انقلاب مشروطیت بود - از این عمل شجاع الممالک قدردانی و آرزو کرده است که دیگر مردم و رؤسای خراسان، به اقدامهای امثال شجاع الممالک تأسی کنند و در نشریه روح القدس، (۱۵) در این باره نوشته است:

«این ایام - که خورشید وطن پرستی و معارف پروری از هر گوشه طالع و درخشان گردیده - امید است که اطفال ایام و مساکین ملت، از درجه گدایی و سائلی خارج شده، به مراتب منیعه علوم و صنایع نائل شوند. اگر چه [اهالی] خراسان برای خدمت به مشروطیت، دیرتر از اهل آذربایجان از خواب جهالت بیدار شدند ولی بحمدالله پس از رفع وجود آصف الدوله، با کمال سرعت از خواب بیدار شده، درصدد تلافی و تدارک مافات برآمده، کوی سبقت از همسران ربودند و انجمن معدلت رضوی را، رشک تمام انجمنها نمودند و هر کدام از ارکان خراسان، از هر کنار مشغول نشر معارف گردیده، وطن پرستی خودشان را به منصه شهود رسانیدند؛ مدارس جدید و قرائتخانه‌های ملی تأسیس نمودند من جمله جناب شجاع الممالک بجنوردی، تازه مدرسه [ای] به اسم شجاعیه برای اطفال یتیم از لباس و سایر چیزها متحمل و متکفل شده‌اند نهایت تشکر و امتنان را از طرف اداره و اهالی خراسان خصوصاً و از جانب باقی وطن پرستان اهل وطن، عموماً تقدیم می‌نمائیم و تبریک مدرسه شجاعیه را می‌گوئیم. امید است

شاگرد ۱۰ سال و بزرگ‌ترین آنها ۱۸ سال سن داشته است. و از نظر محل مدرسه ها، جز مدرسه چناران - که به صورت رایگان در اختیار فرهنگ بوده - مابقی مکان مدارس دیگر به صورت اجاره ای بوده است.

بودجه سالیانه مدارس توابع مشهد، ۱۸۶ تومان در سال بوده است و از نظر تعداد معلمان، این مدارس در مجموع ۶ نفر معلم داشته که جوان‌ترین آنها میرزا حسن، معلم مدرسه چناران و مسن‌ترین آنها آقا شیخ محمدعلی، ناظم و معلم مدرسه طریقه، ۲۸ سال سن داشته؛ از نظر سابقه تدریس نیز میرزا حسن مذکور باده ماه تدریس، با سابقه‌ترین معلم بوده است. کلیه معلمان سی ساعت در هفته تدریس می‌کردند و حقوق آنان، بین ۱۲۰ تا ۳۵۰ قران در سال بوده است. (۱۱)

مدارس ولایات خراسان

تعداد شاگردان در هر پایه تحصیلی:

- کلاس شروع: ۳۴ محصل؛ این پایه، مختص مدرسه دولتی قوچان بود. (۱۲)
- کلاس اول: ۲۹۶ نفر؛ کوچک‌ترین شاگرد پایه ۶ سال و بزرگ‌ترین آنها، ۱۵ سال داشته است که محصل مدرسه دولتی سرخس بوده است.

- کلاس دوم: ۱۳۶ نفر؛ کوچک‌ترین شاگرد این پایه ۷ سال و بزرگ‌ترین آنها، ۱۵ سال داشته است.

- کلاس سوم: ۷۴ نفر؛ کوچک‌ترین شاگرد این پایه ۷ سال (شاگرد مدرسه تون) و بزرگ‌ترین شاگرد این پایه، ۱۵ سال سن داشته است.

- کلاس چهارم: ۴۷ نفر؛ کم سن‌ترین محصل این پایه ۱۰ سال (محصل مدرسه ملی قوچان) و بزرگ‌ترین محصل، ۱۷ سال سن داشته است.

- مدرسه گناباد نیز، دارای دو پایه تحصیلی بوده که در مجموع ۲۵ محصل داشته است. چون در اسناد تعداد هر پایه تفکیک نشده بود، از این رو فقط آمار محصلان به جمع کل آنها افزوده شد.

- با احتساب محصلان مدرسه گناباد و مدرسه شوکتیه، جمع کل محصلان مدارس ولایات خراسان ۸۱۱ نفر بوده است.

- محل مدارس ولایات خراسان، جز مدرسه سبزوار - که قبلاً مسجد بوده - و مدرسه شاپور نیشابور - که مدفن یکی از بزرگان بود - مابقی مدارس اجاره‌ای بوده‌اند.

- بودجه کلیه مدارس ۶۱۸۰ تومان بوده که مبلغی از محل عواید معارفی تأمین می‌گردیده (بودجه مدرسه شوکتیه بیرجند، و بودجه مدرسه دولتی نیشابور از این آمار مستثناست و نامعین بوده است) و قسمتی از اعانه اطفال از جمله: هزینه تحصیل ده نفر از شاگردان مدرسه شاپور نیشابور را فتح السلطنه و سالار معتمد متقبل بودند، و آقای نجفی نیز ماهی سی تومان به مدرسه دولتی تون، کمک می‌کرده است.

- طبق احصائی موجود، مجموع معلمان این مدارس ۴۱ نفر بوده که جوان‌ترین معلم، شمس‌الدین خان (معلم کلاس دوم مدرسه تون) و مسن‌ترین آنها، میرزا محمدخان (معلم خط مدرسه شوکتیه) بوده است.

- با سابقه‌ترین معلم ولایات خراسان در سال ۱۲۹۸ ش.، آقای شیخ احمد (معلم مدرسه شوکتیه) با یازده سال سابقه کار و بعد از او، میرزا عبدالعلی خان (معلم مدرسه دولتی سرخس) و آقا شیخ آقا (معلم کلاس چهارم مدرسه خیریه سبزوار)، ده سال سابقه کار داشتند.

- از نظر ساعات تدریس، آقایان میرزا محمدعلی (معلم فارسی) با چهل ساعت و آقا میرزا محمدخان (معلم خط) با سی و شش ساعت در مدرسه شوکتیه

این تشکر و تبریک، باعث تشویق و ترغیب جناب شجاع الممالک شده، زیاده بر این درصدد نشر معارف و وطن پرستی برآمده و ابنای وطن را دستگیری و تربیت نمایند. باقی شهرهای خراسان هم تأسی به ایشان نموده، افعال حمیده ایشان را سرمشق خود قرار داده، در وطن پرستی و معارف پروری، گوی شرف و افتخار را از سایر اهالی وطن بریابند و نام نیک تا ابدالدهر برای خود و اعقابشان به ارث و یادگار بگذارند» (۱۶)

پس از مدرسه شجاعیه، مدرسه دیگری به نام «مدرسه همت» (۱۷) در سال ۱۲۹۲ ش.، در بجنورد افتتاح شده و گویا از بدو تأسیس مدرسه، معلم یا معلمان آن، از میان فارغ التحصیلان مدرسه دارالفنون استخدام می شدند، اما حقوق و غذای معلم مدرسه، از کیسه فتوت خاندان شادلو تأمین می گردیده و در سند ذیل - که به خط و مهر سردار معزز بجنوردی (۱۸) در خزانه اسناد ملی موجود است، مطالب ذی قیمتی در این باره بیان گردیده که به طور کامل بازنویسی شده و در پی می آید:

مقن سند

وزارت داخله، ایالت خراسان، حکومت بجنورد و مضافات، نمره ۲۸۵،

تاریخ ۱۹ برج دلو (۱۲۹۷ ش.)

مقام منبع وزارت جلیله معارفی - دامت شوکته. سال گذشته در همین ماه یک نفر معلم عالی استدعا شد از برای مدرسه همت بجنورد کتترات و اعزام فرمایند؛ میرزا سید عبدالله خان معین و اعزام گردید و اینکه که سه ماه به انقضای مدت استخدام مشارالیه مانده، استعفا نامه نوشته که چون داخل در اداره تلگراف شده ام، سه روز دیگر عازم مشهد خواهد شد. متعذر است به اینکه ابدأ باقی کتترات نیسته اند. چون بيمورد کاری واقع و باید از طهران تهیه معلم نمود، به هر نوع هست او را قانع کرده، تقریباً نگاه داشته ام. استدعا دارم زودتر یک نفر معلم در ماهی پنجاه تومان حقوق و نان سالیانه که دارای معلومات ذیل باشد یا یک نفر فرانسه، جغرافیا، جبر و مقابله، هندسه، تاریخ عمومی، تاریخ طبیعی، علم الاشیا، فیزیک.

معلم متوسط برای کلاس چهارم در ماهی بیست الی بیست و پنج تومان حقوق و نان سالیانه که از هر قسم لایق، منزله و دارای اخلاق پسندیده باشند مقرر فرمایند، کتترات بسته اعزام فرمایند یک نسخه از نخستین کتترات هر کدام تسلیم ایشان و یک نسخه از هر کدام برای بنده ارسال فرمایند. چنانچه مخارج راه لازم باشد، تلگرافاً مرقوم فرمایند تا حواله تلگرافی داده شود و اسباب تأخیر حرکت آنها نشود.

برای استحضار خاطر مبارک، عرض می نمایم که در این مدت نه ماه توقف میرزا سید عبدالله خان، بعلاوه ماهی پنجاه تومان به رسم انعام برای تشویق او به مشارالیه داده ام که به طور دلگرمی مشغول تدریس باشد. لیکن متأسفانه نتیجه برعکس و سه ماه به انقضای وعده مانده، به خیال عزیمت مشهد افتاد.

عزیزالله [مهر] سردار معزز

[حاشیه] وزارت معارف - فوراً انتخاب معلم نموده و خیلی اظهار امتنان و قدردانی از آقای سردار معزز در معارف پروری که نموده اند، بنمائید. این معلمین را که از اطراف می خواهند، باید زودتر فرستاد، و به من هم معرفی کنید. ۱۱ جمادی الاخر ۱۲۹۷ (۱۹)



عزیزالله خان سردار معزز

مقن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۴۸۸۵، تاریخ ۱۰ حمل

۱۲۹۸ ش.

تلگراف بجنورد

حکومت جلیله بجنورد و مضافات - وزارت معارف در ضمن نیت و معارف پروری جناب مستطاب عالی، کمال امتنان را دارد و منتظر است توسعه معارف در آن حدود، سرمشق ایالات و ولایات ایران گردد. یکی از فارغ التحصیلهای دارالفنون با ماهی پنجاه تومان حقوق و نان سالیانه، به مدت یک سال به جهت معلمی انتخاب، لذا مبلغ یکصد تومان برای مخارج سفر تلگرافاً حواله فرمایند، حرکت کند.

[مضا] اعلم الدوله

و طبق احصائیه (آمار) اداره معارف در سال ۱۳۰۶ ش. تعداد محصلان آن ۹۳ نفر بوده که ۲۸ نفر از آنان برایگان تحصیل می کردند و پنج معلم به تدریس مشغول بوده اند. (۲۰)

مدارس شیروان

قبل از افتتاح اولین مدرسه دولتی شیروان در سال ۱۲۹۵ش.، سه مکتبخانه به تعلیم و تربیت محصلان می پرداختند. این مکتبخانه ها توسط حاج ملا عبدالله، حاج ملا محمد و میرزا علی آخوند و غلامرضا آخوند اداره می شد. آنها با روش ویژه ای، الفبای فارسی و عربی و در نهایت قرآن کریم را به نوآموزان و شاگردان خود می آموختند و عده ای از محصلان که از استعداد و امکانات بیش تری برخوردار بودند، به یادگیری قواعد زبان فارسی، عربی، صرف و نحو و پاره ای اوقات در بعضی از مکتبخانه ها، به تدریس خوشنویسی می پرداختند و در نهایت تعداد کمی از شاگردان نخبه، به حوزه های علمیه راه می یافتند و تحصیلاتشان را تکمیل می کردند. مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی شیروان، درباره مدارس این شهر نوشته است:

«اما همانطور که بیان گردید، اولین مدرسه دولتی شیروان، با اسلوب جدید در پاییز سال ۱۲۹۵ش. در مجاور آب انبار شهر قدیم (کهنه شهر) و جنب مسجد یزدیها، به معلمی رضامنلی خان (کیمیایی) افتتاح شد که او بتهنهای کفالت و مدیریت و معلمی را به عهده داشت. تعداد دانش آموزان این دبستان ۲۷ نفر بودند و حقوق رضامنلی خان کیمیایی، ۱۸۰ قران بوده و نظافت مدرسه نیز توسط فراشهای حاکم شهر انجام می گرفته است. در سال ۱۲۹۶ش. دبستان ذکور شیروان، از محل مذکور به منزل سابق مرحوم خادم، جنب نوانخانه شیروان واقع در کمربندی سابق، روبروی ژاندارمری سابق (نیروی انتظامی)، نقل مکان داده و حسن خان معتمدی نیز به عنوان معلم در مرکز (مشهد) استخدام و در شیروان مشغول تدریس می شود. در آمار از محمد مهدی نام، به عنوان مستخدم نام برده شده است و حقوق حسن خان ۱۴۰ قران و حقوق محمد مهدی ۶۰ قران و تعداد محصلین نیز ۴۹ محصل ذکر گردیده است. در سال ۱۲۹۷ش. - که مسئولیت فرهنگ شیروان برعهده میرزا علی خان جلالی بود - منزل تقوی به مبلغ دو بیست تومان به منظور ایجاد مدرسه خریداری شد که محل آن در کوچه مالیه، در کنار یکی از برجهای شهر قدیم قرار داشت و به همت مازور محمود خان، آقا شعبان بیدقی و شیخ عبدالعظیم و کمک مالی مردم بازسازی و به صورت دبستان چهار کلاسه، آماده و افتتاح گردید.» (۲۱)

مدرسه دولتی شیروان یا نمره ۳

مدرسه، در اول جوزای قوی نیل ۱۲۹۸ش. تأسیس شد. این مدرسه، دارای سه پایه تحصیلی اول تا سوم بوده و تعداد محصلین مدرسه در این سال ۴۴ نفر بوده؛ محل مدرسه نیز، منزل مسکونی استیجاری بوده که مال الاجاره آن، هفت تومان در ماه بوده است و بودجه سالیانه مدرسه ۶۶۰ تومان مرقوم گردیده که از این مبلغ، پانصد و چهل تومان آن از عوائد معارفی دولتی و یکصد و بیست تومان از اعانه اطفال متمول پرداخت می شده است (۲۲) و طبق اسناد موجود در خزانه اسناد ملی ایران و راپورت (گزارش) ۵ حوت (اسفند ماه) ۱۲۹۸ش. از شیروان، نمایند معارف، مستعفی و احضار شده است که در این روز محصلین مدرسه دولتی به تلگرافخانه آمده، تلگرافی به ایالت (استاندار) ارسال و استدعای ابقای مشارالیه را می نمایند. اهالی نیز، جداگانه تلگرافی مبنی بر همین مقصود

به مقام مذکور ارسال داشتند و در پاسخ مرکز اظهار داشتند که نماینده معارف شیروان از مرکز احضار نشده و استعفای او نیز به مرکز ارسال نگردیده است و از معارف استان صحت و سقم مطلب استعلام گردیده، اما مجموعه اسناد آرشیوی به دست آمده، بیانگر آن است که استعفای وی پذیرفته شده و نمایندگی معارف به حسن خان - که معلم بوده - تفویض گردیده (۲۳)؛ از آن پس تعداد محصلین رو به زیاد بوده و طبق آمار تفصیلی مدارس، در پایان سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۳۱۷ش. در شیروان، تعداد شاگردان ۱۵۲ نفر، و ۱۴ داوطلب قبولی داشته است که ۷ نفر قبول شدند و تعداد آموزگاران ۶ نفر بوده که شامل پنج آموزگار مرد و یک آموزگار خانم بوده است. و در سال ۱۳۱۹-۱۳۱۸ش.، مدارس شیروان ۱۷۹ شاگرد، ۱۵ داوطلب قبولی داشته که از میان آنان ۱۲ نفر قبول شده اند و تعداد آموزگاران، همان آمار سال قبل بوده است. (۲۴)

[مسوده اسناد مدارس شیروان]

مقن سند

اداره تلگرافی دولتی علیه ایران
نمره ۱۶ سنه ۱۳۳۷
از - نمره قبض - عدد کلمات - تاریخ اصل - توضیحات - تاریخ وصول -
اسم گیرنده
به - نمره تلگراف ۶ - حوت
راپورت شیروان ۵ حوت ۹۸
نماینده معارف، مستعفی و احضار شده است. امروز شاگردان مدرسه دولتی، تلگرافخانه آمده، تلگرافی به مقام ایالت جلیله عرض و استدعای ابقای مشارالیه را نموده اند. اهالی نیز جداگانه تلگرافی مبنی بر همین مقصود و اظهار رضایت عرضه داشته اند. اطلاعاً عرض شد. علی
[حاشیه: اداره شرق، ۹ حوت. ۹۸]

مقن سند

دولت علیه ایران، وزارت داخله، نمره کتاب ۱۸۵۶۳/۲۶۸۹، شعبه
تحریرات، از تهران، به تاریخ ۱۲ حوت ۹۸ [۱۳۱۲ش.].
وزارت جلیله معارف و اوقاف، سواد راپورت تلگرافی شیروان، برای
استحضار خاطر اولیای آن وزارتخانه تلو انقاد می گردد.
[حاشیه: ارسال در ساعت ۱۲ حوت، محمد ولی.]

مقن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره پرستل، دایره مراسلات
، نمره ۱۷۹۸، تاریخ ۱۹ برج حوت، قوی نیل ۱۲۹۸.
هو - وزارت جلیله داخله - در تعقیب مراسله نمره ۲۶۸۹ زحمت می دهد؛
نظر به اینکه نماینده معارف شیروان از مرکز احضار نشده و استعفای او نیز به
مرکز نرسیده، تلگرافاً به اداره معارف خراسان امر داده شد که مراتب را اطلاع
دهد تا آنکه دستور از مرکز داده شود.

[مهر: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

[امضا: نصیرالدوله

[حاشیه: اداره شرق، ۲۴ حوت ۹۸

- ضبط شود. (۲۵)

مال الاجاره (اجاره بهای) آن، هفت تومان در ماه بوده و بودجه سالیانه مدرسه نیز ششصد تومان بوده که از محل عوائد معارف تأمین می شده است. (۲۸)

مدرسه ملی قوچان:

مدرسه ملی قوچان نیز، دارای چهار پایه تحصیلی، ۵۹ محصل و چهار معلم بوده است و در این مدرسه، آقا میرزا علی خان ناظم و معلم ریاضیات، آقا ادیب السادات معلم حسن خط، آقا شیخ محمود معلم کلاس دوم و آقا شیخ رجبعلی معلم ابتدایی، به تدریس مشغول بوده اند. (۲۹)

مدارس نیشابور

مدرسه شاپور نیشابور در سال ۱۳۳۶ق.م. ۱۹۱۷م. افتتاح گردید. (۳۰) این مدرسه، ملی بوده و طبق احصائیه موجود در سازمان اسناد ملی، در سال ۱۲۹۸ش. دارای پنج پایه تحصیلی و تعداد محصلان آن ۸۸ نفر بوده که بزرگترین شاگرد آن ۱۶ سال و کوچکترینشان ۷ ساله بوده است. محل مدرسه، مدفن یکی از اوتاد بوده و در بدو تأسیس نیاز به تعمیر داشته؛ از این رو، در ابتدا ۲۵۰ تومان هزینه تعمیر داشته است. بودجه این مدرسه، در سال ۴۲۰ تومان برآورد گردیده که از شهریه محصلان عاید می گردیده و شهریه ده محصل بی بضاعت را نیز

مدرسه های ملی و دولتی قوچان

مدرسه احمدی قوچان، در سال ۱۲۹۵ش. تأسیس شد. این مدرسه، تحت نظر هیئتی مرکب از آقایان: حسین خان هژیرالملک، عبدالوهاب آریان، میرزا ابوالقاسم لاری، کسمائی، میرزا آقا مؤید قرشی و میرزا علی خان امیری، اداره می شد. اولین مدیر آن، شیخ محمدتقی روحانی بوده؛ این مدرسه، به مدت سه سال با این نام دایر بوده است و در سالهای ۱۲۹۹-۱۲۹۸ش. تغییر نام یافته و به دبستان "مهرداد" موسوم شد. در سال ۱۳۰۱ش. به دستور مازور محمود خان نوذری، ساختمانی برای مدرسه بنا شد و در سالهای ۱۳۰۳-۱۳۰۲ش.، مدیریت مدرسه مهرداد با صدر زنجانی بود که در همان حال، ریاست اداره فرهنگ را به عهده داشت (۲۶) و طبق احصائیه (آمار) سال ۱۳۰۶-۱۳۰۵ش. وزارت معارف، تعداد محصلان مدرسه مذکور ۹۴ نفر بوده است، (۲۷) و با استناد به اسناد موجود در گنجینه اسناد، قوچان در سال ۱۲۹۸ش.، دارای دو مدرسه دولتی و ملی بوده است:

مدرسه دولتی نمره ۱۰:

این مدرسه، دارای سه کلاس در مقطع کلاس شروع، کلاس اول و دوم، و تعداد محصلان مدرسه آن ۶۲ نفر و محل مدرسه، ساختمان اجاره ای و



مدرسه ملی نیشابور - تاریخ عکس ۱۳۱۲ ش.



مدرسه دولتی خیام نیشابور - تاسیس ۱۲۹۸ - تاریخ عکس ۱۳۱۲ ش .

- ۲- حد ترخص با سایر مدارس، دو هزار ذرع منظور شود؛
 ۳- راپورت مدرسه را، منظمأ به اداره تفتیش معارف برسانم؛
 ۴- موافق پروگرام وزارت معارف، رفتار کنم.
 وکالتأ صحیح است.

[امضا: ابراهیم]

متن سند

ورود ۱۸ شهر شعبان ۱۳۲۸، نمره ۵۰۲۷

شیخ علی اکبر نحوی ملقب به ادیب العلماء ساکن نیشابور، حکمی از وزارت معارف خواسته است که بتواند در آنجا تأسیس مدرسه مقدمات ملی کند و کسی مزاحم او نشود. حالا استدعای صدور حکم دارد:
 امر، امر عالی است.

[امضا: ابراهیم]

[حاشیه:] کابینه - امتیاز یک باب مدرسه ابتدائی، به شیخ علی اکبر ادیب العلماء داده شود. توصیه به حکومت هم شود که در پیشرفت امور کار مدرسه مضایقه ننمایند. قیمت تمبر را من می پردازم.

[امضا: ابراهیم]

شاهزاده فتح السلطنه و سالار معتمد می پرداخته اند و حتی کسری بودجه مدرسه را هم دو نفر نامبرده از کیسه فتوت خویش پرداخت می کردند و در این سال [۱۲۹۸ش]. غلامرضا خان مدیر مدرسه، آقا میرزا کاظم ناظم و معلم کلاس سوم، میرزا مرتضی معلم کلاس چهارم و پنجم، شیخ علی اکبر معلم کلاس دوم و شیخ عبدالله، معلم کلاس اول بوده اند (۳۱) و طبق احصائیه سال ۱۳۰۶ش، مدرسه در این سال دارای ۵۸ محصل بوده که فقط سه نفر آنان برایگان تحصیل می کرده اند. این مدرسه، در همان سال دو معلم داشته است. (۳۲)

در سال ۱۳۲۸ق. شیخ علی اکبر صدرالادبا، متعهد و ملتزم گردید که مدرسه ابتدائی موسوم به مدرسه ملی در نیشابور تأسیس کند که امتیاز تأسیس به وی اعطا گردیده، مشروط به اینکه مدرسه مذکور، با شرایط ذیل دایر گردد. در این موضوع، چندین سند در خزانه اسناد موجود است که در پی می آید:

متن سند

«این بنده، شیخ علی اکبر صدرالادبا، ساکن نیشابور، متعهد و ملتزم می شوم مدرسه ابتدائی که در نیشابور موسوم به مدرسه ملی تأسیس و دائر می نمایم موافق دستورالعمل و پروگرام وزارت معارف که در ذیل ورقه نوشته می شود تخلف ننموده، رفتار نمایم.

۱- مدرسه، در حد ابتدائی باشد؛



دبستان گلشن ۱۳۱۲ ش.

مال الاجاره آن ماهی ۲۵ قران بوده؛ شیخ مهدی، تنها معلم مدرسه و ائاثیه مدرسه نیز از هر حیث مهیا بوده است ۳۴ و طبق احصائیه سال ۱۳۰۶ ش.، این مدرسه ۸۷ محصل و دو معلم داشته است. (۳۵)

مدارس ترشیز (کاشمر)

مدارس ابتدایی؛ محمد حسن خان ملک الحکما، در شرح حال خود آورده است که در دوران انقلاب مشروطیت، یک باب مدرسه ابتدایی با وسایل و امکانات مناسب برپا داشته است. این مدرسه، به همراهی و مساعدت اهالی و دستیاری یک مأمور اداری برپا شده، (۳۶) اما دو برگ سند در این باره در خزانه اسناد ملی موجود است که بیانگر آن است که اعدل الدوله، حکمران ولایت ترشیز، یک باب مدرسه ابتدایی در شهر ترشیز افتتاح و مبلغ یکصد تومان از کیسه فتوت خودشان و باقی را تجار و اهالی آنجا، برای تهیه اسباب و ائاثیه مدرسه داده اند. برای اطلاع کامل از کم و کیف تأسیس مدرسه، اسناد ذکر شده، به شرح زیر بازخوانی و آورده شده است:

مقن سند

وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه، نمره کتاب ۵۰۲۷/۸۱۶، تاریخ ۱۸ شهر شعبان ۱۳۲۸ ق.

نیشابور

چون جناب آقای شیخ علی اکبر صدرالادبا، ساکن نیشابور، از وزارت معارف خواستار شده اند که مدرسه موسوم به ملی در آنجا تأسیس نمایند، لهذا از طرف وزارت معززی الیهما، به مشارالیه اجازه داده شود که مدرسه مذکوره را موافق شروط مفصّله ذیل، دایر و افتتاح نمایند:

- ۱- مدرسه، در حد ابتدایی باشد؛
- ۲- حد ترخص با سایر مدارس، اقلأ دو هزار قدم ملحوظ شود؛
- ۳- راپرت مدرسه را منظمأ به اداره تفتیش وزارت معارف برساند؛
- ۴- موافق پروگرام وزارت معارف رفتار کند.

[امضا] رضاعلی نیرالملک (۳۳)

مدرسه دولتی یا نمره ۱۳ نیشابور

این مدرسه، در برج جوزای ۱۲۹۸ ش. دایر گردید و در آن سال، دارای یک پایه تحصیلی بوده و ۳۵ محصل داشته است. محل مدرسه، اجاره ای و

متن سند

ورود ۸ شهر صفر ۱۳۲۶ قمری، نمره ۲۰۰۳

از قراری که نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده عدل الدوله، حکمران ولایت ترشیز خراسان مرقوم فرموده بودند، یک باب مدرسه ابتدائی در شهر ترشیز افتتاح شده و مبلغ یکصد تومان از کیسه فتوت خودشان و باقی را تجار و اهالی آنجا، برای تهیه اثاثیه (۳۷) و اسباب و اثاثه مدرسه داده اند و به ترتیب جدید، مشغول تعلیمات هستند.

[حاشیه:] از مساعی جمیله به وزارت معارف والا، کمال امتنان حاصل است.

متن سند

وزارت معارف و فواید عامه، نمره ۲۰۰۳، تاریخ ۱۴ شهر صفر ۱۳۲۶ ق. ملک الحکما - عنوان لازم نیست.

از اقدام نواب مستطاب والا شاهزاده عدل الدوله اقباله، در خصوص تأسیس مدرسه ابتدائی ترشیز، نهایت امتنان حاصل شد و اشخاصی که در این امر بانی شریف ایشان همراهی کرده اند، مستوجب کمال تمجید و تشکر هستند؛ لیکن این معنی را فراموش نباید کرد که بنای این قبیل کارها را طوری باید ریخت که به عزل فلان و نصب بهمان و حضور خللی به ارکان آن وارد نیاید به ساحت مدرسه که امروز به همت نواب داور است، فردا که ایشان از آنجا به جایی دیگر تغییر مأموریت بدهند، از میان نرود؛ یا فلان تاجری که امروز اعانه می دهد، اگر فردا ندهد یا نداشته باشد که بدهد، امور مدرسه معوق نماند. پس حالا که این اقدام شریف را - که حاوی خیر دینی و عبودی است - فرموده اند، خوب است مخارج آن را بر آورده نموده، به آقایان تجار که مساعدت در [این کار کرده اند، معادل مخارج آن، قرار محل ثابتی از قبیل موقوفات و غیر موقوفات بدهند که همیشه این مدرسه، بعون الله، دائم و قائم باشد.

[امضا:] رضا قلی نیرالملک (۳۸)

مدرسه دولتی نمره ۸ ترشیز

این مدرسه، در غره شوال ۱۳۳۸ ق. تأسیس گردید و محصلان آن در دو پایه اول و دوم به تحصیل مشغول بودند. تعداد شاگردان مدرسه ۷۴ نفر و کوچک ترین شاگرد کلاس اول آن شش سال و بزرگ ترین آنها سیزده سال داشته است. در پایه دوم نیز کوچک ترین شاگرد هفت سال و بزرگ ترین آنها پانزده سال سن داشته است. محل مدرسه، اجاره ای بوده و اجاره ماهیانه آن، هشت تومان بوده است. بودجه سالیانه مدرسه نیز، ششصد تومان بوده که از عواید معارفی تأمین می گردیده (و هفده تومان کسری بودجه داشته است). این مدرسه، در این سال دو معلم داشته: آقا سید حسین معلم کلاس ابتدائی و آقا شیخ غلامرضا در کلاس دوم تدریس می کرده اند. لوازم مدرسه نیز طبق راپورتهای موجود، به قدر کفایت مهیا بوده است (۳۹)؛ و طبق احصائیه (آمار) سال ۱۳۰۶ ش.، این مدرسه ۶۰ محصل و همانند سالهای پیشین، دو معلم داشته است. (۴۰)

مدارس تون (طبس)

مدرسه علمیه حبیبیه، در سال ۹۱۱ ق. در دوران صفویه در این شهر ساخته شده و بانی آن، حاج میرزا حبیب الله، پسر علا الدین تونی بوده است. این مدرسه،

در سال ۱۳۴۷ ش. در اثر زلزله صدمه فراوانی دید. سپس سازمان حفظ آثار باستانی با همکاری اداره اوقاف، از محل درآمد موقوفات و کمک دفتر امام، آن را بازسازی کرده و در سال ۱۳۶۴ ش.، مورد بهره برداری قرار گرفت. هم اکنون طلاب علوم دینی، در آنجا به تحصیل مشغول می باشند. (۴۱)

مدارس جدید: مدرسه دولتی تون یا نمره ۱۴، (۴۲) در برج عقرب قوی نیل ۱۲۹۸ ش. افتتاح شد و در همان سال، این مدرسه دارای سه پایه تحصیلی کلاس اول تا سوم بوده و تعداد محصلان آن سال ۶۱ نفر در سه پایه بوده است. از نظر مکان، این مدرسه در یکی از مدارس قدیمی شهر استقرار یافته و بودجه مدرسه نیز، سالیانه هفتصد تومان بوده؛ در صورتی که عایدات آن در سال سیصد و شصت تومان بود که آقای نجفی، هر ماه سی تومان به مدرسه کمک می کرده اند و مابقی کسری بودجه، از عواید معارف تأمین می گردیده است. در این مدرسه، سه معلم به تدریس می پرداختند. آقایان: قدرت الله خان ناظم و معلم ریاضی و حسن خط، شمس الله خان معلم کلاس دوم و ملا غلامرضا، معلم کلاس اول بوده است. (۴۳)

مدارس گناباد

قبل از تأسیس مدارس نوین در این شهر، مسئولیت تعلیم و تعلم، برعهده مکتبخانه ها بود که طبق احصائیه موجود، در این برهه ۳۳ مکتبخانه در گناباد، کاخک و بجستان به این امر مهم اشتغال داشتند (۴۴) که به تفکیک عبارت بودند از:

(به جدول صفحه بعد مراجعه شود)

مدارس دولتی نمره ۹ گناباد

مدرسه دولتی گناباد، در جوزای ۱۲۹۸ ش. افتتاح گردید. این مدرسه در سال افتتاح، دارای دو کلاس و بیست و پنج نفر محصل بوده و کوچک ترین شاگرد مدرسه، هفت سال و بزرگ ترین شاگرد آن، دوازده سال سن داشته است. بودجه سالیانه مدرسه، چهار هزار و هشتصد قران و محل تأدیه بودجه از اداره مالیه، تومانی، دو بیست دینار تأمین می گردیده. دست اندرکاران مدرسه، آقا شیخ محمد علی، (۴۵) رئیس معارف و آقا سید محمد، معلم ابتدائی مدرسه بوده است و دروس حساب، جغرافیا، شرعیات، علم الاشیا و درسهای ابتدائی در آن تدریس می گردیده؛ محل مدرسه در جویمند گناباد و اجاره آن، پنج تومان بوده است. (۴۶)

مدارس بیرجند**مدرسه شوکتیه بیرجند**

قبل از تأسیس مدارس نوین در بیرجند، مسئولیت تعلیم و تربیت نونهالان در این شهر، همانند سایر شهرهای دیگر کشور، برعهده مکتبخانه ها بود و این روند، تا انقلاب مشروطیت و بعد از آن نیز ادامه داشت. (۴۷) در این زمان امیر اسماعیل خان شوکت الملک اول - (۴۸) که فرزندی نداشت - ثلث اموال خود را وقف امور خیریه کرد و تولیت آن را به برادر کوچکش، محمد ابراهیم واگذار نمود. (۴۹)

محمد ابراهیم خان علم موسوم به شوکت الملک دوم، بعد از سفر به تهران و احراز مقام حکمرانی و امارت قاینات، در بازگشت از این سفر - که همزمان

ملاحظات	عده شاگردان		اسم مکتبدار	بلوک	محل	نمره
	بسر	دختر				
نمره ۱۴۹۲	۴	۵	ملا محمد علی	گناباد	جویمند	۱
	۱۲	۱۱	خیر النساء	"	قصبه	۲
	۱۵	۱۰	ملا محمد		"	۳
	-	۱۰	ملا حسین			۴
	۱۵	۲۰	کربلایی محمد علی			۵
	۱۰	۱۲	کربلایی حسین			۶
	۶	۲	صبیه ملا ابراهیم			۷
	۴	۶	ابراهیم		بهاباد	۸
	۴	۵	ملا محمد جعفر		بیلنه	۹
	۳	۲	ملا محمد خطیب		"	۱۰
	۳۰	۲۰	ملا عبدالکریم		نوقاب	۱۱
	۳	۱۰	ملا حسین		رهن	۱۲
	۶	۱۰	میرزا فضل الله		ایاب	۱۳
	-	۱۰	ملا خداداد		بیدخت	۱۴
	۶	-	زوجه ملا عباس		"	۱۵
	۷	۱۳	ملا حسن		"	۱۶
	-	۱۶	میرزا حسن	گناباد	کاخک	۱۷
	۳۲	۵۶	محمد کمال	"	"	۱۸
	۱	۱۱	ملا علی صالح			۱۹
	۹	۱۰	ملا اسمعیل			۲۰
	۴	۳۰	ملا حسن			۲۱
	۳	۵	زوجه سعیدی			۲۲
	۳	۶	محمد بقره			۲۳
	۵	۸	محمد علی			۲۴
بجستان، از حیث حکومت جزو طبس و از حیث سایر ادارات دولتی، جزو گناباد و انتخابات آن، جزو ترشیز است.	۲۶	۷۶	ملا غلامرضا	گناباد	بجستان	۲۵
	۷	۱۴	ملا حسن	"	"	۲۶
	۷	۱۱	ملا علی			۲۷
	۲	۶	ملا ابراهیم			۲۸
	۴	۷	شیخ محمد حسین	بجستان	مزار	۲۹
	۴	۹	ملا غلامرضا	"	یولنی	۳۰
	۶	۱۰	امین الشریعه		آهنگ	۳۱
	۵	۱۱	ملا احمد		جزین	۳۲
	۹	۱۶	میرزا ابراهیم			۳۳

اسدالله خان - که برای ترتیب و تنظیم و ترویج معارف و علوم به قایمات مأموریت پیدا کرده و می رود - از طرف وزارت علوم و معارف مقرر است که از تمام مدارس و مکاتبی که در بین راه است، مشارالیه تفتیش کامل کرده و هر قراری که مستلزم انتظام و ترتیبات مدارس و مکاتب است، مرعی و معمول دارد. فی التاريخ فوق.

[[مضا]: رضاقلی نیرالملک

متن سند

وزارت معارف و اوقاف، کارتن ۱۶، دوسیه ۶، تاریخ ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۵ق.

به تاریخ شهر ربیع الاول، مطابق سال فرخنده فال قوی نیل ۱۳۲۵، چون نشر علوم و معارف، موجب ترقی مملکت و اسباب آسایش در رفاهیت عامه است و الحمدلله که در این عصر فرخنده حضور همایونی، همه نوع اسباب ترقی و پیشرفت امر تعلیم و تعلم فراهم و معارف خواهان معظم، همم عالی را صرف تأسیس مدارس می نمایند، من جمله جناب جلالتمآب امیرالامراء العظام شوکت الملک امیر قائن، خیال افتتاح مدرسه در بیر چند دارند، لهذا از طرف وزارت علوم و معارف، جناب میرزا اسدالله خان - که از تربیت یافتگان است - منتخب و به بیر چند فرستاده می شود که در ترتیب تحصیل و تکمیل نوباوگان آن حدود و تنظیم آن مدرسه، دقت کامل نموده و مطابق پروگرام مدارس رفتار کرده، آنی غفلت از خدمت مدرسه ننماید و همه وقت، راپورت لازمه را ارسال دارد.

[[مضا]: رضاقلی نیرالملک

[حاشیه]: مدارس.

متن سند

وزارت معارف و اوقاف، نمره کتاب ثبت ۱۲، کارتن ۱۶، دوسیه ۶، نمره قبل ۱۱، تاریخ ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۵ق.

جناب جلالتمآب امیرالامراء العظام شوکت الملک امیر قائن - دام اقباله! بر طبق اظهار جناب مستطاب اجل منتصر الملک، جناب میرزا اسدالله خان - که از تربیت یافتگان مدارس طهران است - برای مدرسه بیر چند منتخب و از طرف وزارت علوم مأمور گردید که با نهایت دقت در پیشرفت امر تعلیمات آن مدرسه مشغول بوده و آنی از خدمت مدرسه تغافل نورزد. جناب جلالتمآب عالی نیز، در نگاهداری مشارالیه، همه نوع بذل لطف خواهند فرمود که طول مسافرت و غربت برای او رنج و کربت نشده، مرفه الحال، مشغول انجام خدمت باشد.

[[مضا]: رضاقلی نیرالملک

[حاشیه]: مدارس.

متن سند

وزارت معارف و اوقاف، نمره کتاب ثبت ۱۲، کارتن ۱۶، دوسیه ۶، تاریخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۲۵ق.

در این تاریخ - که مطابق است با غره شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵ق. در سال قوی نیل ترکی - جناب مستطاب اجل اکرم امجد عالی امیرالامراء العظام، آقای امیر محمد ابراهیم خان شوکت الملک امیر تومان، حکمران ولایت قائن - دام اقباله عالی - اراده فرموده اند که مدرسه مقدماتی در شهر بیر چند، حاکم نشین ولایت



محمد ابراهیم شوکت الملک علم

با استقرار انقلاب مشروطیت بود - به فکر ایجاد یک مدرسه جدید در بیر چند افتاد. نظر او بر این بود که مدرسه ای مطابق با اسلوب و برنامه آموزشی مدارس دارالفنون، علمیه و مظفری تهران، تأسیس کند و برای اداره کردن آن، درآمد موقوفات خیریه برادر متوفای خود، اسماعیل خان شوکت الملک را در نظر گرفت. او پس از مشورت با برخی از رجال و بزرگان محل، در غره شهر (ماه) ربیع الثانی ۱۳۲۵ق. / جوزای ۱۲۸۵ش.، در محل حسینیه شوکتیه - که برای برگزاری مراسم عزاداری توسط برادرش، امیر اسماعیل در سال ۱۳۱۲ق. ساخته شده بود - اقدام به تأسیس مدرسه شوکتیه نمود (۵۰) و برای نیل به مقصود پس از افتتاح مدرسه، تصمیم گرفت دو نفر معلم از تهران استخدام کند و بنابر خواهش منتصر الملک، آقایان میرزا اسدالله خان و میرزا زین العابدین شیرازی منتخب و طبق قرارداد موجود، می بایست به بیر چند اعزام می شدند. در این باره، در متن اسناد چنین آمده است:

متن سند

وزارت معارف و اوقاف، نمره کتاب ثبت ۱۶۹، کارتن ۱۶، دوسیه ۶، نمره قبل ۱۲، تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵ق.
به عموم مدیران مکاتب زحمت افزای می شود. جناب فخامت نصاب میرزا

متقبل خدمات فرهنگی بوده‌اند. در این راستا، از اطلاعات اسناد موجود، بهره می‌جوئیم:

متن سند

ورود ۲۶ شوال ۱۳۲۵، نمره ۱۵۱۰

صورت قرارنامه فیما بین این بنده میرزا بابا تاجر کاشانی

و کالتاً از طرف جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیر شوکت الملک - زیده اجلاله العالی - با جناب مأوی آداب شریعت انتساب آقا میرزا احمد بن مرحوم میرزا محمد حسین کاشانی، در باب عزیمت ایشان به بیرجند و تشکیل مدرسه جدید ملقب به شوکتیه، مشتمل بر پنج ماده و شرط ذیل است:

اول - مدت کنترات ابتدا از بیستم شهر شوال ۱۳۲۵ لغایت مدت دو سال تمام که از طهران به بیرجند بروند و در آنجا به هر طور که جناب مستطاب اجل آقای امیر شوکت الملک امر و مقرر فرمایند، مشغول دایر کردن مدرسه و تعلم به قانون شرع مطاع بوده باشند.

دوم - حق الزحمه از قرار هر ماهی چهل و پنج تومان است که در اول هر ماه دریافت نمایند. مخارج خوراک و ملبوس، با خود میرزا احمد است.

سیم - کرایه ایاب و ذهاب از طهران الی بیرجند را، بنده دادم و کرایه ذهاب هم بر عهده جناب شوکت الملک مرحمت فرمایند.

چهارم - اگر قبل از دو سال بخوانند از خدمت منفصل شوند، یا آنکه در کتبه امورات بر خلاف میل جناب شوکت الملک رفتار نمایند و بدون اذن و اجازه ایشان توفید کاری نکنند، علاوه بر اینکه حق شهریه و کرایه مراجعت ندارند. مبلغ دویست قران به آنها و بلاعوض به کارگزاران جناب مستطاب اجل آقای امیر شوکت الملک، دادنی باشند.

پنجم - هرگاه از طرف جناب شوکت الملک نکولی بشود و قبل از دو سال بخوانند جناب آقا میرزا احمد را از خدمت منفصل نماید، مواجب تا آخر دو سال را باید تماماً بپردازد. بر مراتب مستزوره، صیغه شرعی جاری و واقع گردید. فی بیست و چهارم شهر شوال المکرم. ۱۳۲۵

[امضا: اقل میرزا بابا کاشانی]

[حاشیه: به همین ترتیب هم با آقا شیخ احمد قرار داده شده است؛ لیکن شهریه ایشان، ماهی بیست و پنج تومان قید شده.

متن سند

وزارت معارف و اوقاف، نمره ۱۵۸۹، نمره قبل ۱۵۱۰، تاریخ ۲۲ ذیقعدة

۱۳۲۵ق.

جناب جلالتمآب اجل شوکت الملک امیر قائل - دام اقباله - مطابق اظهار جناب عمده التجار آقا میرزا بابا تاجر کاشانی، جنابان مستطابان آقا میرزا احمد و آقا شیخ احمد از وزارت معارف، برای مدیری و معلمی مدرسه بیرجند معین و روانه شد. معزی البهما، از اشخاص محترم صاحب علم دارالخلافة هستند و در مراتب درستی و صحت عمل، طرف همه قسم اطمینان شده‌اند. همین قدر از جنابعالی خواهش دارم که کما تقبی، توجه مخصوص درباره آنها داشته، از تهیه لوازم رفاه و امنیتشان به هیچ وجه من الوجوه کوتاهی نفرمائید. قراردادی هم که فیما بین ایشان و میرزا بابا و کیل جنابعالی شده، در وزارت معارف ثبت است؛ البته مورد نظر عالی خواهند بود. انشاء الله در صورتی که به خوبی از عهده کار خود برآیند، مسلماً از طرف عالی ملاحظت و محبت های مخصوص

قائل افتتاح فرمایند که موافق دستور العمل مدارس مقدماتی دارالخلافة طهران، اطفال آن حدود در آن مدرسه تحصیل نمایند. برای حصول به این مقصود، محتاج به وجود دو نفر ابتدائی بوده که تمام دوره مقدماتی را در مدارس دارالخلافة تدریس کرده باشند. لهذا از وزارت علوم و معارف بنا بر خواهش جناب مستطاب اجل اکرم امجد عالی، آقای منتصر الملک - دام اقباله العالی - جناب فخامت نصاب میرزا اسدالله خان و جناب میرزا زین العابدین شیرازی، منتخب و روانه می‌شوند. برای توضیح مدت اقامت و حقوق مشار البهما، ترتیبات ذیل مقرر می‌شود:

۱- در مدت مسافرت میرزا اسدالله خان و میرزا زین العابدین، تردد آسه سال و اکثر آدر شش سال خواهد بود که بعد از مدت سه سال در صورت و خیانت ممکن است توقیف نمایند، و اگر نخواهند بمانند سه ماه قبل اطلاع می‌دهند که تهیه معلم بشود که خللی به انتظام مدرسه وارد نماید.

۲- حقوق میرزا اسدالله خان، ماهی سی و پنج تومان و میرزا زین العابدین ماهی پانزده تومان است که ماهیانه به آنها داده می‌شود و سه ماه حقوق آنها قبل از حرکت از طهران به طور مساعده به آنها داده خواهد شد.

۳- محل توقف مشار البهما در اطرافهای مدرسه خواهد بود و الا آنکه خودشان نخواهند، جای دیگر انتخاب کنند به اجازه سرکار جلالتمدار امیر - دامت شوکتیه - می‌توانند [در] اخراج منزل کنند.

۴- میرزا اسدالله خان، تعهد می‌کند که مدرسه شوکتیه را به طور مدارس طهران مفتوح نماید و آنچه معلم خرید لازم می‌شود از اهالی قائل اختیار نموده، تعلیمات لازمه بدهند و خودش هم مرتباً علاوه بر درس خصوصی (عمومی) مجلس درس خصوصی از ریاضی و عمده بدهد. در واقع موافق حکم وزارت علوم و معارف، مسئولیت صحت و سقم مدرسه مزبوره با میرزا اسدالله خان خواهد بود و میرزا زین العابدین، سمت معاونت مشار البه را خواهد داشت.

۵- پس از انقضای مدت توقف موافق فصل اول، در صورتی که میرزا اسدالله خان و معاون مشار البه بخوانند مراجعت کند، کرایه مال طهران به آنها داده می‌شود یا به همان ترتیب که می‌روند مراجعت داده می‌شود. بعلاوه سه ماه حقوق مجاناً داده می‌شود.

۶- قبل از انقضای مدت، هرگاه میرزا اسدالله خان و معاونش بخوانند ببینند، فقط حق کرایه مال تا طهران را دارند، مشروط بر آنکه یک ماه قبل از وقت، اطلاع از حرکت خود بدهند. هرگاه به علتی عظیمتدار امیر - دامت شوکتیه - بخوانند آنها را روانه دارند، سه ماه حقوق آنها را از روز حرکت مجاناً با کرایه مال تا طهران خواهند داد.

این قرارداد، از روز امضای این نوشته مجری است و نخستین به مهر مشار البهما و معتمد السلطان آقا حسن خان گماشته، سرکار عظیمتدار امیر - دامت شوکتیه - مبادله می‌شود. حسن

[حاشیه: این حقیر متعهد به مضامین فصول مرقومه فوق گشتم. اسدالله - این قرارداد، به اطلاع این جانب است. احمد بن محمد ظاهر (۵۱)]

ولی گویا نامبر دگان، اصلاً به بیرجند نیامدند یا قبل از یک سال به تهران بازگشتند. از این رو طبق منابع موجود، اولین گروه معلمان مدرسه را، از میان دانش آموختگان و علمای کاشان ذکر کرده‌اند. در این باره نیز، قرارداد استخدام میرزا احمد و شیخ احمد کاشانی - که به عنوان معلمین مدرسه شوکتیه استخدام شده‌اند - موجود است. آنان به بیرجند اعزام و سالهای متمادی در این مدرسه



مدرسه شوکتیه بیرجند

خواهد داشت.

زیاده زحمتی ندارد. [امضا] - رضاقلی نیرالملک (۵۲)

و اینما سرت من شام و من یمن
یاتی علیک مدی الدنیا تحیاتی

انشاء الله وجود مسعود بر سریر عشرت و اقبال و شوکت و اجلال مستدام؛ تاکنون چند عریضه انقاد حضور مبارک شده و اظهار خلوص و فدویت نموده، ولی بدبختانه از طرف قرین الشرف، اظهار مرحمتی نشده. این طور فراموشی از چاکران قدیمی و مخلصین صمیمی، با انعام ملاحظت و صفای طوبیت منافات دارد و اگرچه می دانم این ذره بیمقدار رانه آن مقامی است که در ذکر شریف مانده و شایستگی زیارت دستخط شریف را داشته باشم، اما سلیمان با همه حشمت، نظر می کرد موران را.

در این موقع حضرت مستطاب اجل اشرف بندگان و زیده روحی فداه را از شمول مواهب رحمانی و عطایای همایونی تبریک و تهنیت می گویم و مزید حشمت و جلال و ابهت و اقبال را از قادر متعال مسئلت می نمایم. ضمناً استدعای عاجزانه آنکه، چون بعضی مفسدین درصدد تخریب مدرسه و اذیت بنده هستند، توصیه تلگرافی یا کتبی از طرف حضرت وزیر - دام ظلّه - و اگر ممکن باشد، یکی از جانب وزیر علوم به سرکار شوکت الملک، حکمران بیرجند و مؤسس مدرسه صادر فرموده و ارسال فرمایند. با آنکه

به رغم همکاری مستمر امیر شوکت الملک، گویا بعضی از مفسده جو، بنای اخلال در مدرسه شوکتیه گذاشتند و احمد کاشانی، رئیس مدرسه تقاضا کرده است که جهت جلوگیری از سعایت معاندان، توصیه و سفارش لازم به حکومت خراسان نوشته شود و برای نمونه، چندین سند آورده می شود:

متن سند

هو

ورود ۶ شعبان ۱۳۲۶ق. نمره ۲۶۸۰

قربان حضور مبارکت گردم.
با ارض بلخ و یاروضات جنات
روضه انت ام ارض المبرات
انی وان کنت من مرعاک مرتحلا
مشغوله بک ایامی و اوقاتی

متن سند

وزارت معارف و فواید عامه، نمره کتاب ثبت ۲۷۱۵، کارتن ۵، دوسیه ۷، نمره قبل ۲۶۹۶، تاریخ ۱۶ شعبان ۱۳۲۶ ق.

مدیر محترم مدرسه شوکتیه - زبده مجله - شرحی که مبنی بر شکایت از اخلال بعضی مفسدین در امور مدرسه شوکتیه نوشته بودید. ملاحظه، مراتب به اولیای دولت علیه اظهار شد. حکمی از حضرت مستطاب اجل اشرف صدارت عظمی، در این خصوص خطاب به حضرت والا رکن الدوله صادر گردید. نفاً برای شما ارسال نمودم؛ ملاحظه کرده، برسانید. البته طوری که مرقوم شده است، در انتظام امور مدرسه و رفع اخلال مفسدین، اقدامات حسنه خواهند نمود که خیال شما در ترتیب و تنظیم مدرسه آسوده شود.

زیاده [جسارت] است [امضا] رضاقلی نیرالملک

متن سند

وزارت معارف و فواید عامه، نمره کتاب ثبت ۲۶۹۶، کارتن ۵، دوسیه ۷، نمره های قبل ۲۶۸۰، تاریخ خروج ۶ شعبان ۱۳۲۶ ق.

وزارت داخله، طهران

مدیر مدرسه شوکتیه بیرجند، شرحی به وزارت جلیله امور خارجه نوشته، تظلم کرده که چندی است چند نفر مفسد، بنای اقدام او و اخلال مدرسه را گذاشته، به اقسام مختلفه زحمت می رسانند و متعرض می شوند. مستدعی است قدغن فرمایند حکم مؤکدی به ایالت جلیله خراسان صادر شود که حتماً مفسدین را از اقدامات ناشایست ممانعت نموده، خاطر اولیای مدرسه را، از مزاحمتهای آنها آسوده بدارد و در پیشرفت و انتظام عمل مدرسه - از توجهی که لازم است - دریغ نفرمایند.

[امضا] حسین مؤتمن الملک (۵۳)

تسهیلاتی که حاکم قانات برای محصلان برقرار کرده بود، به همراه موافقت برخی از روحانیان و روشنفکر بیرجند همچون حاج شیخ هادی هادوی - که از علمای طراز اول عصر خود بود - در کسب توفیق و جلب اعتماد مردم مؤثر شد و بسیاری از کودکان و نوجوانان بیرجند را به سوی شوکتیه کشانید. به دستور شوکت الملک، برای کمک به دانش آموزان بی بضاعت و خانواده های آنان، سالی هشتاد و چهار ریال پول کتاب و دو بیست و هفتاد کیلو جیره گندم و دو دست لباس به هریک از محصلان داده می شد. (۵۴)

احمد کاشانی، مدیر مدرسه شوکتیه، در راپورت سالیانه مدرسه در مورد افتتاح و عملکرد سالیانه مدرسه، نوشته است:

«در این اوان سعادت اقترا - که ایرانیان، زیردستی و ذلت خود را دریافته و به علت ترقی و تقدم که علم است پی برده اند - هر کدام از سران و بزرگان این مملکت - که از غیرت و همت نشانه داشته - درصدد ترویج معارف وطن و توسعه علم برآمده و در این راه مقدس، از جان و مال مضایقه نمی کنند، من جمله جناب شوکت الملک، امیر قاینات، تأسیس مدرسه به وضع جدید در بیرجند - که کرسی قاینات است - خواستار شدند و این بنده ناقابل را با یک نفر معلم دیگر، از طهران احضار نمودند. لدی الورود به تهیه اسباب و اساسیه امر فرموده، عمارت حسینیه - که از نمره اول بناهای بیرجند است - برای این دارالعلم معین و به فاصله چند

حکمران غایت همراهی دارند، معذالک برای جلوگیری معاندین، توصیه و سفارشی لازم است؛ و ثانیاً بنده کمین راه، به زیارت دستخط شریف، مباحی و مفتخر فرمایند.

جناب مستطاب اجل، آقای جمشید خان را سلام می رسانم. پیوسته دعاگوئی این فامیل جلیل راه، و وظیفه خود می دانم.

احمد کاشانی - مدیر مدرسه شوکتیه

متن سند

وزارت داخله، اداره خط خراسان، نمره ۱۱۶۲۱، مورخه ۹ شهر شعبان ۱۳۲۶ ق.

جناب مستطاب اجل اکرم آقای مؤتمن الملک، وزیر معارف و اوقاف - دام اقباله.

رقیمه شریفه واصل و از مراتب اظهاریه، اطلاع حاصل شد. اینکه مرقوم شده بود، این اوقات بعضی از مفسدین بنای اخلال را در امور مدرسه شوکتیه بیرجند گذاشته و خواسته بودند به ایالت جلیله خراسان نوشته شود که از آنها جلوگیری نماید، حکم لازم صادر و لفاً ارسال شد. پس از ملاحظه، قدغن نمایند ارسال دارند. البته اقدامات لازمه در ممانعت مفسدین و پیشرفت امورات مدرسه شوکتیه، خواهند نمود.

زیاده زحمت نمی دهد. [امضا]

[حاشیه]: ورود ۱۶ شعبان ۱۳۲۶ ق.، نمره ۲۶۲۹

[روی پاکت]: نمره ۱۱۶۲۱ جناب مستطاب اجل اکرم آقای مؤتمن الملک، وزیر معارف و اوقاف - دام اقباله.

[جواب روی پاکت]: سفارشی وزارت داخله، برای مدرسه بیرجند به رکن الدوله شود.

[امضا] رضاقلی نیرالملک

متن سند

هو

وزارت امور خارجه، ورود ۶ شهر شعبان، نمره ۲۶۸۰

وزارت جلیله علوم و معارف! کاغذی از بیرجند درخصوص مدرسه شوکتیه به وزارت خارجه رسیده، چون راجع به وزارت جلیله علوم بود، عین آن را لفاً ارسال داشت که به هر طور مقتضی بدانند، احکام لازم را صادر فرمایند. متمنی است نتیجه امر و کاغذ ملفوف را، امر به عودت به وزارت خارجه دهند که جواب مدیر مدرسه شوکتیه نوشته شود.

[امضا]

رئیس کابینه

[روی پاکت]: ورود ۶ شعبان ۱۳۲۶ ق.، نمره ۲۶۸۰

- وزارت جلیله علوم و معارف

[جواب روی پاکت]: سفارشی مؤکد از طرف وزارت علوم به حکمران کرمان، درباره مدرسه شوکتیه نوشته شود که همه نوع حمایت و نگاهداری مبذول دارد و دست مفسدین را کوتاه نماید. به صورت سفارشی از طرف وزیر اعظم بنویسید که به مهر برسد؛ مصحوب فرستاده شود.

[امضا]

حفظ جواب دهند، شرعیات از جزوه که در مدرسه مرتب شده، حساب مقدمات کسور متعارفی.

سال سوم

شش ماه اول - باب هفتم و هشتم گلستان، قواعد فارسی، جغرافی سال اول، حساب تا آخر کسور متعارفی، شرعیات، تاریخ ایران بزرگ. شش ماه دوم - انوار سهیلی، تاریخ ایران بزرگ، حساب تا آخر کتب، صرف و نحو عربی، جغرافیای سال اول، دروس النحویه.

سال چهارم

شش ماه اول - دروس النحویه، قواعد الجلیله (۱)، مدارج القرائه (!)، بخته سپهری شرعیات، تاریخ عمومی، ادبیات فارسی، جغرافی، حساب تا آخر. شش ماه دوم - جلد (۱) قواعد الجلیله، مدارج القرائه (۱)، تاریخ عمومی، جغرافی، ادبیات فارسی، فقه فارسی، انشانات، حل مسائل مشکله حساب.

سال پنجم

شش ماه اول - قواعد الجلیله (۲)، مدارج القرائه (۳) و (۴)، جبر و مقابله، تاریخ ملل مشرق. شش ماه دوم - جغرافیای سال (۳)، زبان فرانسه، دیکته عربی.

سال ششم

مدارج القرائه (۵)، روزنامه جات عربی، جغرافیای مفصل ایران، منطق، نقشه کشی، زبان فرانسه، تاریخ یونان و ملل شرق، جبر و مقابله و هندسه.

سال هفتم

تلخیص المفتاح، بدیع مفصل، هیئت، دفتر داری، تکمیل چهار مقاله، هندسه، زبان فرانسه، حفظ بعضی از خطب نهج البلاغه، تبصره علامه. معلوم است پس از آنکه متعلمین قوه در فرانسه بهم رسانیدند، پاره [ای] علوم را از قبیل فیزیک و شیمی مختصر و گیاهشناسی و غیره رابه زبان فرانسه تحصیل خواهند نمود.

متن سند

هو

شنبه ۲۹ شوال المکرم ۱۳۲۷ [قمری]

حضور مبارک حضرت بندگان اجل اکرم افخم عالی، آقای وزیر علوم و معارف - مدظله العالی.

به شرف عرض می‌رساند، از قرار مندرجات جراید، در وزارت علوم پروگرامی برای مدارس مرتب نموده و درصدد اصلاحات هستند. بنا علیه، لازم آید که مختصر راپورتی از مدرسه شوکتیه بیرجند به عرض برساند تا اگر منقصتی در کار باشد، از توجهات کامله رفع شود. مدرسه شوکتیه، در ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ افتتاح شده و چهل نفر شاگرد پذیرفته شد و مقرر است که در اول هر سال، بیست نفر دیگر قبول شود. چنانکه در ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۶، بیست نفر قبول شد و الان ۵۶ نفر شاگرد در مدرسه هستند. در این مدت، شش نفر از مدرسه خارج شده اند. تمام مخارج این مدرسه را، جناب شوکت الملک متحمل است. کتاب و لوازم مشق و تحریر هم تاکنون از مدرسه داده شده؛ بعلاوه بیست نفر از ضعفا و ایتام، ماهانه هشت من تبریز آرد و هفت قران هم پول خورش و سالیانه دو دست لباس تابستانی و زمستانی باکفش و کلاه از مدرسه موظفند و امسال یکدست لباس ماهوت اعلا، برای مواقع رسمی علاوه بر دو دست معمولی، به شاگردان داده شد.

روزی، تمام لوازم و اسباب آماده شد و پنجاه نفر شاگرد در مدرسه پذیرفته گردید، در روز مبارک عید غدیر که روز افتتاح رسمی مدرسه بود.

جشن نمایی با حضور علما و اشراف و تجار برپا و شاگردان [را] با لباس رسمی مدرسه - که از برکهای ممتاز است - سان دادند. یکی از شاگردان خطابه [ای] با کمال فصاحت و بلاغت قرائت نموده که موجب حیرت حضار گردید.

نقداً پنجاه نفر شاگرد در این مدرسه مشغول تحصیلند و تماماً مجانی هستند؛ حتی کتاب و لوازم تعلیم هم از مدرسه داده می‌شود. سی نفر از شاگردانی که یتیم و بی بضاعت هستند، ماهانه هشت من تبریز آرد و هفت قران پول و سالیانه دو دست لباس از مدرسه موظفند، و تمام مخارج این مدرسه را، سرکار شخصاً از جیب فتوت خود می‌دهند.

شاگردانی که در این مدرسه پذیرفته شده‌اند، به دو طبقه منقسم گردیدند: طبقه اول که صرف مبتدی و از خواندن و نوشتن بی بهره‌اند، مشغول تحصیل ابتدائی می‌باشند و طبقه دوم - که از خواندن و نوشتن بهره‌داشتند - دروششان عبارت است از: گلستان با فهمیدن حاصل مطلب و تاریخ ایران و حساب و جغرافی مختصر و اصول دین و تجوید قرآن و در نظامنامه مقرر شده که در رأس هر شش ماه، ده نفر شاگرد دیگر قبول شود. دوره تحصیل این مدرسه، هفت سال است. احمد کاشانی - مدیر مدرسه شوکتیه (۵۵)

اما برنامه یاپروگرام تحصیلات مدرسه شوکتیه نیز، از قرار ذیل بوده است:

متن سند

وزارت معارف و فواید عامه، نمره کتاب ۳۶۷۸، نمره قبل ۳۶۶۰، تاریخ ۲۲ ذیقعد ۱۳۲۷ / ۲۶ عرقب ۱۲۸۷

جناب جلالت ماب ملک الحکما - زیده مجده - آقا شیخ احمد در بیرجند به اجازة وزارت معارف، مشغول توسعه معارف است و متصدی مدرسه شوکتیه آنجاست. با این پست راپرت آنجا را فرستاده بود. جوابی به او نوشته شده، لفاً ملاحظه نمایند. یک جلد از پروگرام مرسله هم به جهت او بفرستید. بعد از این هم باید مطالب خود را به شما بنویسد و شما هم مستقیماً به اداره معارف اظهار دارید. زیاده است.

پروگرام تحصیلات شاگردان مدرسه شوکتیه

سال اول

سه ماه اول - دوره ابتدایی سیستم رشديه، خط نستعلیق، حساب ذهنی. سه ماه دوم - کتاب علی تشریحات، تکمیل ابتدائی، اعداد نویسی، جمع و تفریق.

شش ماه دوم - قرآن مجید، شرعیات کتاب علی، انیس الادبا، چهار عمل اصلی حساب.

سال دوم

شش ماه اول - قرآن با تجوید، تاریخ ایران کوچک، تکمیل املا، اعشاری از حساب.

شش ماه دوم - باب اول گلستان، تاریخ ایران کوچک که مطالب آن را از

قطعه اروپا، حساب مقیاسات خارجه فصل (۵) (رشاد الحساب)، تاریخ نخبة سپهری صفحه ۱۲۵، در آخر هر سه ماه امتحان خصوصی و در آخر هر سال امتحان عمومی داده می شود. کلیه دروس - که تا به حال خوانده شده - بخوبی فهمیده اند و از عهده جواب برمی آیند؛ مثلاً شاگردان اطاق سیم جغرافی سال اول میرزا رضاخان را تمام نموده اند و چنان فهمیده اند که از نقشه ها و اطلسهای انگلیسی و فرانسوی، آنچه را خوانده اند نشان می دهد مکرر قونسولها و مأمورین خارجه در امتحان حاضر بوده و کمال تعجب و حیرت را از ترقیات این مدرسه داشته اند. این بود مختصر راپورت این مدرسه؛ مستدعی است اگر پروگرامی برای مدارس مرتب فرموده اند، برای این مدرسه هم مرحمت شود.

علاوه بر دروس معروضه، دو نفر شاگرد بزرگ تر داشته ام در مدرسه که فرانسه شروع نموده اند، مارگو را تمام نموده و لکتور اول و دوم را تا آخر خوانده، اکنون گرامر اول لاری فلوری و پلبر می خوانند. امسال هم بیست نفر شاگرد قبول خواهد شد. یکنفر معلم هم لازم است؛ یعنی معلمی می خواهیم که در فرانسه و ریاضیات کامل باشد. مواجب هم به اندازه کفایت داده می شود. اگر کسی لایق را حاضر برای این کار ببینند، مرقوم خواهند فرمود تا قرار مواجب و غیره داده شود. زیاده عرضی نیست.

اگر صلاح بدانند مقرر خواهند فرمود، خلاصه این راپورت در یکی از جراید درج شود.

کمترین خدام معارف - شیخ احمد التراقی، مدیر شوکتیه

مقن سند

وزارت معارف و فواید عامه، نمره کتاب ثبت ۳۶۶۰، تاریخ ۲۳ ذیقعدة ۱۳۲۷ ق.

جناب آقا شیخ احمد، مدیر مدرسه شوکتیه - زیده عزه. پاکت شمار سید. راپورت مدرسه شوکتیه را فرستاده بودید، ملاحظه شد. از وضع زحمات شما در توسعه معارف بیرجند، کمال آگاهی حاصل گشت و اکنون جواب شمارانگارش داده، استشار از مساعدت شما در باب امور معارف می نمایم. البته در این خصوص، همواره بذل مساعدت کرده، راپورت آن را به توسط جناب ملک الحکما - که از طرف وزارت معارف رسمیت در امور معارف خراسان دارند - به وزارت معارف ارسال داشته و بعدها هم هرگونه مقصودی در خصوص معارف دارید، به ایشان اظهار نمایند. البته در اصلاح مقاصد شما همراهی خواهند کرد. عجالاً پروگرام به متوسط و ابتدائی مدارس که تازه به طبع رسیده است، به جهت ملک الحکما فرستاده شده و نوشته ام برای شما هم دو نسخه بفرستند که از روی بصیرت در کار مدارس و معارف آنجا اقدام کنید. (۵۶)

طبق فهرست موجود به تاریخ قوی نیل سال ۱۲۹۸ ش.، مدرسه شوکتیه، دارای هشت کلاس بوده و اسامی معلمین، سن هر یک از معلمین، سابقه خدمت، ساعات تدریس در هر هفته، حقوق ماهیانه، تعداد عائله و موارد درسی - که تدریس می کرده اند - و اطلاعات مربوط به محصلین، کوچکترین و بزرگترین شاگرد هر پایه، تعداد شاگردان از هر محله بیرجند، وضعیت شاگردان از نظر حفظ الصحه، ابعاد کلاس، وضعیت روشنائی و امکانات موجود در هر کلاس، مورد بررسی قرار گرفته که در پی می آید.

اجزای مدرسه:

۱- کمین، در چهار زنگ مشغول تعلیم عربی و ادبیات فارسی، ریاضی و غیره هستیم.

۲- آقا شیخ احمد، معلم ابتدائی و فارسی.

۳- یک نفر از اهالی اینجا - که معاون فارسی است - مدیری و نظامت هم بر عهده خود این جانب است.

۴- دو نفر [فراش].

۵- سه نفر قراول.

مخارج مدرسه [در] سال اول تقریباً هزار و هفتصد تومان شد و امسال دو هزار تومان می شود.

حقیر، سالیانه فی ماهی ۵۵ تومان، ۶۶۰ تومان.

معلم ابتدایی ماهی ۳۵ تومان، ۴۲۰ تومان.

معاون فی ۶ تومان، ۷۲ تومان.

دو فراش فی ۳ تومان، ۷۲ تومان.

سه نفر قراول ۶ تومان، ۷۲ تومان.

قهوه خانه و مخارج جشن سالیانه و سوخت زمستان، فی ۱۰ تومان، ۱۲۰ تومان.

کتاب و کاغذ و غیره، سالیانه ۶۰ تومان.

تحف معلمین و متعلمین در امتحانات، ۲۰۰ تومان.

لباس بیست نفر موظفین تابستانی و زمستانی، تقریباً ۲۰۰ تومان.

گندم و پول خورششان، ۳۶۰ تومان.

مسلماً مخارج زیادتر هم می شود؛ مثل اینکه امسال شش قطعه نقشه های انگلیسی برای مدرسه ابتیاع شده. اگر اثاثیه مدرسه حساب شود، سال اول هم بیش تر از دو هزار تومان خرج شده است.

تحصیلات این مدرسه، موافق پروگرامی است که به سلیقه خود مرتب نموده ام و یک نسخه مختصر انفاذ شد. لازم است عرض کنم که از یوم الشروع الی الان، از این پروگرام عقب نمانده بلکه جلویم. چهل شاگردی که روز اول قبول شدند، بیست نفرشان جزئی از خواندن فارسی داشتند ولی نوشتن ابتدائی دانستند؛ سنا از ۹ سال تا ۱۵ ساله. (اطاق ۲) بیست نفر دیگر بکلی مبتدی از ۷ الی ۱۲ ساله (اطاق ۱) اول سال دوم شاگردان اطاق ۲، اطاق (۳) و از اطاق (۱) به اطاق (۲) رفته و بیست نفر تازه وارد در اطاق اول ماندند.

فعلاً تحصیلات هر اطاق، از این قرار است:

اطاق (۱)

که شاگردان ۱۰ ماهه باشند، از ابتدائی فارغ شده و کتاب علی را تا شریعتش خوانده اند. درس (۳) از فروع دین کتاب علی، ضرب از حساب و دیکته از ترکیب الحروف.

اطاق (۲)

باب هشتم گلستان را حفظ می نمایند، باب اول و هفتمش را از روی ترجمه و فهمیدن حاصل خوانده اند، قطعه اروپا از جغرافی سال اول میرزا رضاخان، فصل چهارم از تاریخ مختصر ایران، تقسیم اعشاری از حساب، درس هفتادم شریعت از کتابی که خود بنده مرتب نموده ام.

اطاق (۳)

خلاصه الصرف اجوف و اوی، قواعد فارسی درس ۵۵ ادوات مبدوتاً از تالیفات حقیر، شریعت درس ۱۲۵ کتاب اجاره، جغرافی (۲) محمد صفی خان

اثاثیه هر مدرسه در بدو سال ۵۷

ملاحظات عمومی	سایر لوازمات	کتابخانه		لوازمات مدرسه					اثاثیه										
		کتابهای فزائنی	کتابهای کلاسی	تخته سیاه	نقشه های مختلفه	کره	نقشه های دیواری	چرخ	بخاری	حصیر	فرش	پرده	نقشه	میز تحریر روسا	میز	صندلی	نیمکت	میز تحریر شاگردان	
	لوازمات قهوه خانه																		
	دست ۲	۶۹۵	۵۷۰	۹	۱۰	۱	۱۰	-	۱۰	-	۲	۵	۶	۴	۸	۲۰	۴	-	-

صورت راپرت معلمین بیرجند تاریخ افتتاح مدرسه مبارکه شوکتیه سال ۱۳۲۶ در ۱۸ ذیحجه

اسامی معلمین	سن	سال خدمت	ساعت دروس کلاسها										حقوق	عده اعضای خانواده هر معلم	آدرس معلمین
			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	ساعت اشتغالات آقایان معلمین در ظرف هفته				
آقای آقا شیخ احمد	۴۱	۱۱	۶	۶	۶	۵	۳	۴	-	-	-	-	۶۰۰	۸	مدیر مدرسه
آقای مفیدالملک	۲۸	۳	-	-	-	۴	۱۱	۷	۶	۲	-	۵۰۰	۴	ناظم معلم	
آقا میرزا ابوالقاسم خان	۴۰	۸	-	-	-	-	-	-	۳	۵	-	۲۰۰	۵	رئیس کابینه حکومتی	
آقای دکتر محمود خان	۴۲	۳	-	-	-	-	-	-	-	۵	-	۳۰۰	۱۰	معلم ریاضی و فرانسه	
آقا میرزا محمد حسین	۵۵	۸	-	-	-	۴	۴	۱۰	۴	۶	۴	۱۸۰	۱۰	معلم عربیات	
آقا میرزا محمد حسین	۲۸	۶	-	-	۴	۴	-	۲	۱۲	۲	-	۱۸۰	۱۰	معلم ادبیات فارسی	
آقا میرزا محمد علی	۴۲	۳	۶	۶	۸	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۶۰	۴	معلم فارسی	
آقا شیخ علی اکبر	۲۸	۶	-	-	-	۵	۱۳	۸	۲	-	۲	۱۰۰	۳	معلم فارسی و مقدمه عربی	
آقا میرزا ذبیح الله	۲۳	۴	۴	۴	۵	۷	۲	-	۶	-	۴	۱۷۰	۳	معلم جغرافی و ریاضی	
آقا شیخ عبدالله	۳۰	۸	۶	۶	۶	۶	۴	-	-	-	-	۷۰	۴	معلم ابتدائی	
آقا میرزا محمد خان	۷۰	۳	۶	۶	۶	۶	۶	-	-	-	-	۲۰۰	۵	معلم خط	
															روزی ۶ ساعت در مدرسه اشتغال دارند.

مدارس سبزووار

پیش از تأسیس مدارس نوین در سبزووار، مردم این شهر به واسطه وجود علمای بافضیلت، بخصوص حاج ملاهادی سبزواری (طاب ثراه)، مردمانی با ذوق و غالباً به حلیه فضل آراسته و مساعد با ترقی بودند و در تمام بلوکات نه گانه (۵۸) سبزووار، حوزه های علمیه و سی باب مکتبخانه، (۵۹) بار تعلیم و تربیت طلاب و محصلان را بر دوش داشت که با دایر شدن مدارس نوین، همچنان به فعالیت دیرینه خود ادامه می دادند.

مدرسه علویه

طبق اسناد موجود در گنجینه اسناد، نخستین مدرسه سبزووار را به اسم «مدرسه علویه»، در سال ۱۳۳۴ق. ۱۲۹۵ش. حاج میرزا علی با نظامت شیخ عبدالحسین در این شهر دایر کرد. اما پس از چندی به علت نداشتن عایدات کافی و معین، با تأسیس مدرسه خیریه، انحلال یافت و حتی خود مؤسس علویه نیز، در مدرسه خیریه به تدریس مشغول شد. (۶۰)

مدرسه خیریه

مدرسه خیریه راه، در سال ۱۳۳۷ق. عده ای از خیرین سبزووار تأسیس کردند و تا مدتی با مساعدت اهالی به کار خود ادامه داد. پس از مدتی این مدرسه نیز، به سر نوشت «علویه» یعنی با کسری بودجه مواجه گردید. از این رو، اعضای مؤسس استعفا کردند و مسئولیت مدرسه، به دو معلم تهرانی - که در مدرسه تدریس می کردند - واگذار گردید. (۶۱)

در این راستا، مکاتباتی از تلاش حاج شیخ علی (۶۲) و محمد هاشم قاجار (۶۳) (دو نفر از وکلای خراسان) در گنجینه اسناد موجود است. آنان در تکاپو بودند تا برای جلوگیری از انحلال مدرسه نامبرده، اقدام عاجلی به عمل آورند. به همین سبب، توصیه نامه ای مبنی بر نامزدی حاج بقراط التولیه برای تصدی شعبه معارف و اوقاف سبزووار به وزارت معارف ارسال داشتند و نامبرده، در شانزدهم ربیع الاول ۱۳۲۸ق. / شانزدهم فروردین ۱۲۸۹ش. به این سمت منصوب گردید. مدرسه، حیاتی دوباره یافت و در همان سال صد نفر شاگرد (بیست نفر مجانی و بقیه با پرداخت یک تومان شهریه) به تحصیل مشغول شدند. به طوری که بیان شد، اسنادی در این باره موجود است که در ذیل می آید:

متن سند

هو

به شرف عرض حضور مبارک می رساند، یوم دوشنبه را حضور مبارک شرفیاب شده، در خصوص شعبه معارف و اوقاف سبزووار عرض شد که جناب حاج بقراط التولیه - که یک نفر از معارف خواهان و اعیان آن ولایت هستند - لیاقت این شغل را دارند و مقصودشان هم خدمت به نوع هست و حضرت اشرف هم تا اندازه ای عرض داعی را پذیرفته و قرار شد که یوم چهارشنبه را به اتفاق ایشان شرفیاب شویم. دو ساعت به غروب یوم چهارشنبه، با ایشان حضور مبارک شرفیاب شدیم؛ به شرف حضور نائل نشده، خواطر مبارک مسبوق است که وقت داعی انحصار به چهارشنبه و جمعه دارد. لهذا استدعا می کند اگر وقت دارید، به اتفاق جناب حاج بقراط التولیه حضور مبارک مشرف شویم. عرایض دیگری هم دارد، در ضمن عرض کند.

حاج شیخ علی - نماینده خراسان

متن سند

عرض دیگر؛ جناب مستطاب بقراط التولیه سبزواری - که با جناب مستطاب حاج شیخ علی، نماینده خراسان به حضور مبارک شرفیاب شد - و حضرت اشرف والا شاهزاده حشمت السلطان هم، شرحی در لیاقت ایشان به عرض رسانیده بود، حضوراً فرمودید و به عرض رسانیدم؛ قرار بود از وزارت معارف و اوقاف، حکمی به عهده ایشان صادر شود [تا] به نمایندگی معارف و اوقاف سبزووار مفتخر شوند؛ بفرمائید حکمش را مرقوم فرمایند.

محمد هاشم قاجار - نماینده خراسان

[حاشیه]: ثبت گردد. بدهید حکمش حاضر است.

متن سند

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از سبزووار به طهران، نمره دولتی، تاریخ ۱۶ ربیع الاول ایت نیل ۱۳۲۸ق.

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامت شوکته از بذل این مرحمت، کمال تشکر را دارد و برای خدمتگزاری حاضر است. حسب الامر، راپورت مفصل با پست تقدیم خواهد شد. منتظر دستورالعمل می باشد.

بقراط التولیه

[مهر]: تلگرافخانه مبارکه

متن سند

وزارت معارف و فواید عامه، نمره کتاب ثبت ۴۲۷۸، تاریخ ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۸ق.

تلگراف سبزووار

آقای حاجی بقراط التولیه! چون کاردانی و معارف خواهی شما در وزارت معارف مسموع افتاد، مأمور هستید که در ترویج معارف و نظارت اوقاف سبزووار مجاهدت کرده، راپورت مشروحو از کیفیت این دو اداره بفرستید. پروگرام مدارس و دستورالعمل شعب این وزارتخانه هم، تدریجاً برای شما فرستاده می شود.

[حاشیه]: برای حاجی شیخ علی وکیل خراسان، فرستاده خواهد شد.

متن سند

«راپورت معارف سبزووار»

مدرسه ابتدایی، چندی است دائر شده؛ صد نفر شاگرد دارد؛ بیست نفر مجانی قبول شده، باقی ماهی یک تومان می دهند. به واسطه نداشتن پروگرام صحیحی، قدری بی ترتیب است. استدعا از حضور مبارک آنکه پروگرام زودتر مرحمت شود. این روزها جمعی معارف خواهان، در صدد تشکیل قرائتخانه عمومی هستند.

اداره حفظ الصحه، در سبزووار نیست. از این بابت عموم اهالی دلتنگ هستند. خواستند معارف آنها از حضور مبارک استدعا می کنند که در این خصوص نظر توجه فرموده، مرحمتی شود. چون سبزووار از این باب خیلی بی ترتیب و باعث اتلاف نفوس محترمه است. امر، امر مبارک است. «(۶۴)

مدرسه خیریه، در بدو تأسیس دارای نه کلاس بوده است؛ ولی با مرور ایام

داشته باشد، نمی دهند. هر ماهی مبالغی به اسم مدرسه خیریه به جیب می رود. اداره معارف، بر حسب وظیفه که باید رسیدگی نموده و عایدات و مخارجات را تحت نظر آورده و تکمیل نواقص به قدر قوه سعی و مدارس عالی تأسیس و معلمین فاضل یا از مرکز و یا از مشهد وارد نماید. امروزه در سبزوار شهری، یک مدرسه ملتی چه علتی دارد و چهار کلاس باقیمانده، ترقی نمی کند؛ باید چاره نماید. به این لحاظ، اعلامی که یک نسخه لفاً تقدیم شد، رسماً به نظمیته فرستاده شد که منتشر نمایند. حکومت مانع از نشر اعلان شده و با خط خودشان در حاشیه اعلان نوشته اند که: مدرسه خیریه، راجع به شرکت فرهنگ است. جسارتاً عرض می کنم، اگر عمل معارف با این اشخاص که جز شب، روزگارشان اسباب چینی و فلج کردن کلیه ادارات دولتی است و دخل نامشروع و خفه کردن تحصیلات و ترقیات اطفال یک شهر است، باید در اداره معارف و اوقاف را بسته، بی جهت خود را معطل نکرده، برای خود کاری پیدا بکنیم و یا به ادارات، حکم صحیحی بفرمائید. امر، امر مبارک است.

محسن - کفیل معارف و اوقاف سبزوار [مهر] (۷۰)

مدرسه دولتی سبزوار

قبل از اعزام کاشف الممالک به سبزوار، ریاست معارف این شهر با ضیاء الحق بود. با انفصال ضیاء الحق، کاشف الممالک، (۷۱) از هجدهم سرطان /تیر ۱۲۹۸ ش.، مسئولیت امور معارفی سبزوار را به عهده گرفت. او، در مدت اقامت خود در این شهر، با کمال جدیت به توسعه معارف آن حدود همت گماشت. مدرسه دولتی سبزوار، در پانزدهم سنبله /شهریور ۱۲۹۸ ش. تأسیس و امور آن را مرتب کرد. این مدرسه، دارای دو پایه تحصیلی و در مجموع ۴۹ محصل بود.

کوچک ترین شاگرد کلاس اول ۶ سال و بزرگ ترین آنها، ۱۳ سال سن داشت و در کلاس دوم کوچک ترین این پایه ۷ سال و بزرگ ترین آنها ۱۴ سال داشت. محل مدرسه، در ابتدا یکی از مساجد شهر بود. (۷۲) میرزا محسن خان، کفیل معارف و اوقاف سبزوار در این مورد نوشته است:

متن سند

وزارت جلیله معارف و اوقاف، اداره معارف سبزوار، نمره ۲۲، به تاریخ ۲۶ شهر جمادی الاول ۱۳۳۸ ق. مطابق ۲۸ برج دلو ۱۲۹۸ ش. مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامت شوکته.

سبزوار، دارای دو مدرسه است؛ یکی دولتی که با پنجاه تومان از مالیه هر برج گرفته اداره می شود، دارای پنجاه نفر اطفال یتیم بی لباس، بی کلاه و کفش؛ ابدآشام ندارند، کتاب و لوازم التحریر؛ فرش برای نماز در مدرسه ندارند و مدرسه دولتی، در مسجد عمومی و در معابر عام است و گاهی خادم مسجد، در مسجد را تا دو ساعت از آفتاب رفته بسته، اطفال در این زمستان سخت در مسجد معطل! مدرسه، عبارت از دو حجره است که هوای دو کلاس تقدیری خراب است؛ به این ترتیب که فعلاً نصف اطفال مریض تا شش ماه بکلی تلف خواهند شد. برای تغییر مکان و لوازم التحریر، فعلاً یکصد و بیست تومان پول لازم است. بیست تومان که هر برج به اضافه پنجاه تومان که ماهی هفتاد تومان بشود، برای کرایه عمارت مدرسه و لوازم التحریر و فرش و غیره و یکصد تومان برای تهیه لباس و لوازم و کرباس باشد و عایدیهایی یک شاهی و خرواری یک قران - آنچه تحقیق شد - بالغ بر دو هزار و چهار صد تومان است که حیف [وامیل] می شود

تحلیل رفته، به طوری که تعداد کلاسهای آن در سال ۱۲۹۸ ش. به چهار کلاس تقلیل یافت. (۶۵) با این حال، تعداد محصلان این مدرسه در سال ۱۵۹ نفر بود که در پایه اول ۴۵ محصل، دوم ۳۶ نفر، سوم ۳۷ و چهارم ۴۱ نفر به تحصیل مشغول بودند. کوچک ترین محصل مدرسه ۶ سال و بزرگ ترین آنها ۱۷ سال سن داشته است. محل مدرسه، منزل مسکونی بود و اجاره بهای آن، هشت تومان در ماه بوده است. بودجه سالیانه مدرسه نیز، هزار و دویست و بیست تومان تخمین زده شده که ۳۶۰ تومان کسری بودجه داشته است که با کسر کردن مبلغ مذکور از حقوق مدیر، تأمین می گردیده است. (۶۶) بدین سبب از برج همین سال، تصمیمی اتخاذ گردید که برای رفع کسری بودجه، تأمین عایدات و هزینه های مدرسه، شهریه تحصیلی از قرار کلاس اول پنج قران، کلاس دوم هفت قران، کلاس سیم هشت قران و کلاس چهارم یک تومان اخذ گردد. (۶۷)

معلمان مدرسه: شیخ محسن، ضمن تصدی مدیریت و نظامت مدرسه، عربی و حساب را نیز تدریس می کردند. شیخ عبدالحسین معلم کلاس دوم، شیخ عبدالغفور معلم کلاس سوم، شیخ آقا معلم کلاس چهارم و میرزا علی معلم حسن خط بوده است. (۶۸) شیخ محسن و شیخ آقا، جهت تدریس از تهران به سبزوار اعزام گردیدند ولی سایر معلمان، اهل سبزوار بودند. میرزا علی مشاق نیز، اهل تهران و سبزواری المسکن بوده است. [

بودجه مدرسه هم - زمانی که تحت تصدی هیئت مؤسس یا به قول اهالی "کمیته" اداره می گردید - تقریباً ماهی دویست و پنجاه تومان عایدی داشت و دو معلم نامبرده - که از تهران اعزام شده بودند - هر یک ۲۵ تومان، شیخ عبدالحسین ۱۲ تومان، شیخ میرزا علی ۱۰ تومان و شیخ عبدالغفور ۶ تومان دریافت می کردند. ۶۹ شیخ محسن، مدیر و ناظم مدرسه، طی گزارشی در تاریخ بیست و ششم شهر جمادی الاول ۱۳۳۸ ق. /بیست و هشتم برج دلو /بهمن ماه درباره وضعیت مدرسه نوشته است:

متن سند

دویمی، مدرسه خیریه است که هفت سال است تأسیس گردیده، دارای چهار کلاس است. دو نفر معلم [آن را] اداره نموده؛ در واقع مکتبخانه است که از ماهانه اطفال محل اداره می شود، عایدات این مدرسه، از روی کلاسی نیست؛ از پنج قران الی دو تومان و یا هر قدر این دو نفر معلم می توانند، دریافت می دارند و تقریباً دویست نفر اطفال [را] تدریس می نمایند. چون در این مدت امتحان در میان نبود و یا محاسبه مدرسه معلوم نشده، با آنکه ماهی اقلأ چهل تومان اضافه دارند، این دو نفر معلم هستند، شاکای از کسر عایدات داشتند. با این ملاحظات، هفت سال است تحصیلات اطفال مکررات است و دروس کلاس چهار منها علم الاشیاء و با حساب مقدماتی است و معلم هم برای کلاس پنج و شش نیست و اگر بوده، این دو نفر مانع بوده اند! شهر سبزوار، دارای سی هزار نفوس است؛ اقلأ باید دارای چهار، پنج مدارس عالی باشد. چون ترقیات اطفال اهالی معلوم نشده و معلم صحیح فاضل نبوده که بیش تر از تحصیلات چهار کلاسه مدرسه خیریه از عهده [بر] آبیاید. این است، اهالی مانعی بر تحصیل اطفال خود نشده اند. ده، دو از ده نفر از معلوم الحال اهالی، به دور حکومت فعلیه جمع، به اسم شرکت فرهنگ و یا خیریه - که هر ساعتی بنا بر اقتضای وقت اسمی و مهری دارند - هر هفته در دارالحکومه اجتماع و مداخله به تمام امور ادارات دارند و چندین صندوق آهنی در معابر و ادارات گذاشته، به هر اسمی، قبضه اعانه جمع [می] کنند یعنی [که] مدرسه خیریه کسری عایدی دارد. در صورتی که اولاً ندارد، ثانیاً

و به این پیشامدها و مخالفت اهالی و ضدیت حکومت، اداره اوقاف و یا محل دیگر یک قران عایدی نیست. استدعا دارم امر و مقرر فرمائید، حقوق کفالت دعاگو مرحمت نمی شود، اقلاً حقوق منشی اولی به دعاگو از مالیه برسد [تا] برای مخارج یومیه معطل نمانم؛ چنانچه برای رؤسای عدلیه، ماهی پنجاه تومان حکم صادر شده است. امر، امر مبارک است.

[امضا] محسن - کفیل معارف و اوقاف سبزوار

[حاشیه]: اداره معارف! آقای میرزا محسن خان، وقت رفتن باید این امور را در محل ملاحظه و اصلاح نمایند. بودجه آن را هم از مشهد باید [گرفت]؛ مبلغ تعیین شده است، مرتباً برسانند، همینطور هم جواب بدهند. (۷۳)
۳۸/۹۷

همانطور که در گزارش میرزا محسن نیز آمده، بودجه مدرسه، سالی ششصد تومان بوده که از عواید معارفی دولتی تأمین می گردیده است. در این زمان، مدرسه دارای دو معلم (میرزا محسن خان معلم کلاس دوم و آقا شیخ نعمت الله معلم کلاس اول) بوده، حقوق میرزا محسن نیز، ۴۰ تومان در ماه تعیین گردیده بود. (۷۴)

همچنین، در سایر اسناد موجود در گنجینه اسناد نیز، اطلاعات ذیقیمتی درباره مدرسه خیریه آمده است که پس از بازخوانی، با رعایت تقدم تاریخی و قید شماره سند و محل در آرشیو، ارائه می گردد.

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سواد صورتی است که آقا هادی در سبزوار نگاشته است، به تاریخ ۵ حمل ۱۲۹۸ ش.

ریاست معارف بلده سبزوار به انضمام اوقاف، تقریباً در سال ۱۳۲۸ از مرکز به آقای نظام العلمای سبزواری واگذار گردیده و در اواسط ۱۳۳۳، آقای ضیاء الحق از جانب بدایع نگار (رئیس معارف خراسان)، به ریاست منصوب گردید. معارف این محل، جزو اداره اوقاف محسوب است و چنانچه در قسمت راپورت خود به مرکز مشرو و حاکم مذکور داشته ام، امور معارف بلد، اگر چه نسبت به سایر بلدان بهتر است، لکن مدرسه جدیدی جز مدرسه خیریه ندارد و فقط یک مدرسه، دو سال قبل افتتاح شده (علویه) که آن هم به واسطه کسر بودجه، حالیه جزو مدرسه خیریه گردیده است و اگر چه این مدرسه، سابقاً نه کلاس داشته، ولی حالیه بیش از چهار کلاس ندارد. دو نفر معلم آن، شیخ محسن و شیخ آقا - که مراتب فضلشان نیز خوب است - از تهران خواسته شده و امروزه، اداره مدرسه با آنهاست. از جانب وزارتخانه جلیله، حکمی صادر شده است که عایدات فاضلاب و سیصد تومان التزامی میرزا حسن را (بابت موقوفات مجهول التولیه) صرف آن محل نمایند و آنچه که اینجانب از مرکز درخواست کرده ام، صرف این مبلغ برای توسط نمودن آن می باشد و باید رئیس معارف سبزوار، بعد از امضای وزارت جلیله، بغوریت این عمل را به موقع اجرا گذارند.

عایدات معارفی سبزوار، بیش از هزار و دویست تومان نمی شود. از این مبلغ تعیین شد که دو مدرسه ابتدائی مجانی فعلاً در خود سبزوار تأسیس گردد و مطابق تحقیقاتی که از جمعیت کل سبزوار و توابع آن شده است، اهالی، به صد هزار نفر بالغ هستند. سبزوار - که جزو بلوک قصبه محسوب می شود - با قصبه پنجاه و چهار هزار نفر جمعیت دارد و از قرار هر شش خانه، یک نفر در سال محصل به مدرسه بدهند، هفت مدرسه لا اقل لازم است. هشت بلوک دیگر را

نیز هر کدام که یک مدرسه حساب کنیم، با مزینان می شود ۹ باب، مجموع می گردد. ۱۶ هریک از این دو باب مدرسه چهار کلاس - که باید افتتاح گردد - در ماه نباید بودجه آن بیش از پنجاه تومان گردد. تقریباً از [این قرار: ۱۱ تومان یک نفر مدیر که معلم هم باشد از ۱۱ الی ۱۵ تومان، سه نفر معلم دیگر هر کدام ۸ الی ۱۰ تومان کرایه خانه و فراش ۹ الی ۱۱، جمعاً ۵۰ تومان. داوطلبان هم بنا بر اعلان اداره معارف حاضر شده، بعد از امتحان مشغول انجام وظیفه خواهند گردید. بهترین وسائلی که برای افتتاح مدارس فوق الذکر در نظر داشته و به وزارت متبوعه، مفصلاً راپورت داده ام، از قرار ذیل است:

۱- عایدات کاروانسرای شاه عباسی که در سال ۲۵۰ تومان بالغ می شود.
۲- اخذ دو عشر قانونی از موقوفات مجهول التولیه، تقریباً ۲۰۰۰ تومان در سال.

۳- اخذ حق راجع به دو، سه فقره موقوفات که راجع به تعلیم ایتم و مصارف بریه است. برای ایتم ۲۰۰ تومان در سال.

۴- اعانه معارف به هر باری یک شاهی ۱۰۸۰ تومان.

هادی حائری - مفتش سیار معارف و اوقاف ایالات و ولایات

محل مهر هادی ابن عبدالله (۷۵)

۲۱۱۹۲-۲۹۷۰-۳۱۶ ض ۳ آپ ۱

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، به تاریخ ۶ برج حمل ۱۲۹۸ ش.

راپورت مدارس و معارف سبزوار و توابع؛ مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامته شوکته.

۱- عده مدارس: در سبزوار عملاً جز یک مدرسه موسوم به خیریه - که در سنه ۱۳۲۷ به تأسیس عده [ای] از اهل شهر افتتاح شده - دیگر موجود نیست و تا سنه ۱۳۳۲، مؤسسين مساعدت با مدرسه می نمودند. لکن از آن به بعد چون ۲۵ تومان کسر بودجه پیدا کرده بود، کم کم اعضای مؤسسه استعفا نمودند و مدرسه را به دو معلمی - که از تهران خواسته بودند - واگذار کرده و حالیه آن دو نفر اداره می نمایند.
- مدرسه اناث ندارند.

۲- نوع مدارس: شخصی، مدرسه خیریه، دولتی، ندارد. خارجی ندارد. مکتب، تقریباً ۳۰ مکتب موجود است.

۳- عده کلاس: مدرسه خیریه، سابقاً دارای ۹ کلاس بوده و کم کم تحلیل رفته تا اکنون که به چهار کلاس رسیده و اگر چه متصدیان آن کمال جدیت را دارند، لکن اگر مساعدتی نشود، عنقریب از بین خواهد رفت.

۴- وسایل معاش: مدرسه خیریه، به توسط خود شاگردان اداره می شود و اعانه دولتی ندارد.

۵- عده شاگردان: مدرسه خیریه، تقریباً یکصد و شصت نفر محصل دارد و این عده، بیست نفر مجانی هستند و عده معلمین آن از این قرارند: شیخ محسن و شیخ آقا که امروزه مدرسه را این نفر اداره نموده و در تمام کلاسهای چهارگانه تدریس می نمایند؛ شیخ عبدالحسین معلم کلاس دوم، شیخ نقی کلاس سیم، میرزا علی مشاق، شیخ محسن و شیخ آقا از تهران خواسته شده و باقی معلمین از خود سبزوار می باشند. ولی میرزا علی مشاق، اهل تهران و مدتهاست در سبزوار از سابق اقامت داشتند.

۱۵- تعیین مقدار و جوهی که از تومانی یک عباسی و خرواری یک قران حاصل می شود، در پنج سال قبل و پنج سال بعد از جنگ؛ مالیات نقدی سبزواری و توابع چهل و هشت هزار تومان و جنس دو هزار و ششصد خروار است؛ جمعاً مالیات معارفی آن هزار و دویست و بیست تومان می گردد و خیلی مدتهای متمدای است (از زمان ممیزی میرزا حسینعلی سررشته دار) که ممیزی در این حدود نشده است. لذا تغییری در مالیات روی نداده است.

۱۶- صورت راپورت عمومی معارف بلد و فهرست وسایلی که باید برای امور و انتشار تعلیمات عمومی نمود: شهر سبزواری به واسطه وجود حکیم کامل یعنی حاج ملا هادی [سبزواری] مرحوم - طاب ثراه - مردمان آن با ذوق و غالباً به حلیه فضل آراسته و مساعد با ترقی می باشند. در تمام بلوک نگاهانه، هر کدام به فراخور خود مکاتب قدیمه موجود و اندک توجه یعنی اصلاح و ترمیمی که درباره معارف این بلد گردد، از همه حیث عملاً اوضاع آن مطابق دلخواه خواهد شد؛ چنانکه برخلاف شهریاری سابق - که این جانب راپورت داده است - می توان گفت از هر صد نفر دو نفر باسواد دارد. وسایلی که باید برای اصلاح فراهم نمود نیز، از همه حیث موجود است؛ چنانکه در باب فاضل آب موقوفات مجهول التولیه در قسمت راپورت اوقاف معروض داشت، بهترین وسایل عملی دیگر - که خود رئیس اوقاف و معارف سبزواری به اندک تمایل وزارت جلیله می تواند موفق به اجرا گردد - از این قرارند:

اولاً- راجع به کاروانسرای شاه عباس، چهار کاروانسرا در محال سبزواری موجود است که امروزه منافع آنها [را] بدون حق ورودیه، منتفدین می برند؛ در صورتی که عایدات آنها سالیانه متجاوز از دویست و هشتاد تومان می باشد. چندی قبل منافع آنها، برای مدارس تخصیص داده شده بود؛ ولی امروزه آن ترتیب از بین رفته. بدین جهات کاروانسرای شاه عباسی مزینان - که سال اول به پنجاه تومان اجاره داده شده - و بعد از قراری که اهل مزینان و امین اوقاف سبزواری و بعضی دیگر تحقیقات شد، شاهزاده محمد هاشم میرزا به ریاست اوقاف - که برقرار گردید - آن اجاره را تصاحب نموده و تا به امروز باقی است. چنانکه اجاره دو ساله آن را نیز مأخوذ داشته است. سه کاروانسرای دیگر در سبزواری واقع و منافع آنها را - که هر کدام بالغ بر این مقدار هاست - آقای حاج میرزا حسین مجتهد شهر به عنوان مجهول التولیه متصرف شده اند؛ در صورتی که معلوم است این مبرات راجع به منافع عمومی است و اگر وزارت جلیله، حکمی به امین اوقاف صادر فرماید که این عایدات به مصرف مدارس برسد، خیلی قابل الاجراس است؛ چه این منافع، حق مشروع معارف است و نباید صرف نظر شود. در هر صورت تکلیف اینجانب، راپرت دادن این موضوع و جدیت در انجام است.

ثانیاً- سه، چهار فقره موقوفات است که فقط راجع به تعلیمات ایتم و مبرات مطلقه می باشد [که] امصارف آنها را امروزه منتفدین محلی می برند. چیزی که ایداً ذکر آن در میان نیست، همان تعلیم ایتم و مصرف رساندن است و عایدات آنها، علی التحقیق در سال متجاوز از دویست تومان می باشد.

ثالثاً- موقوفات، عامه و مجهول التولیه است که در سبزواری بیش تر از هر ولایت موجود می باشد و منافع آنها، بالغ بر هشتاد هزار تومان است، کاملاً برده و خورده می شود و اگر دو عشر مطابق قانون از آنها اخذ شود، قریب دو هزار تومان می شود و فقط سیصد تومان در راپورت اوقاف ذکر شد از آن دو هزار تومان، متولی قرار شده بود بدهد و تا حال که اخذ نشده است. درین صورت اگر وزارت جلیله، مساعدتی به امین اوقاف محل بنماید، البته بیش از این مبلغ

۶- شهریه معلمین: سابقاً وقتی که مدرسه خیریه کلاس داشته و هیئت مؤسسه، آن را اداره می نموده - که خود اهالی به این هیئت کمیته می گفتند - تقریباً ماهی دویست و پنجاه تومان عایدی داشت؛ دو نفر معلم که از خارج آمده بودند، هر کدام ۲۵ تومان می گرفتند. ولی حالیه چون خودشان متصدی هستند، فقط فاضل عایدات را می برند که آن هم از ده الی بیست تومان به هر کدام بیش تر و اصل نمی شود؛ شیخ عبدالحسین ده تومان، شیخ نقی پنج تومان، مشاق ده تومان.

۷- مطابقت با پروگرام دولتی: تقریباً مدرسه خیریه، مطابق با پروگرام دولتی است و اگر همراهی با آن بشود، یکی از مدارس خوب محسوب می گردد.

۸- عده [ای] مدارس بسته شده و علت بسته شدن آنها: تقریباً سه سال قبل مدرسه [ای] به اسم «علویه» به تأسیس آقای حاج میرزا علی و نظامت شیخ عبدالحسین (معلم حالیه مدرسه خیریه) افتتاح گردید و چون نتوانست در مقابل مدرسه خیریه استقامت نماید و دخل و خرج آن مطابق نبود، جزو مدرسه خیریه گردید.

۹- عده تقریبی سن اطفالی که در سال می توانند داخل مدرسه شوند: در زمان قدیم که تقریباً بلده سبزواری احصائیه شده بود، جمعیت آن هیجده هزار نفر و بعد از آن بیست و دو هزار و در سه سال قبل، احصائیه بالنسبه مرتب بر داشته شده و امروزه به انضمام تحقیقاتی که اینجانب نموده است، عده اهالی خود سبزواری از سی هزار نفر کم تر نیست و متجاوز از شش هزار خانه دارد (هر خانه ۵ نفر). بنابراین از هر ۶ خانه که یک نفر در سال حساب کنیم (چه به واسطه امراض ابله و حصبه و سایر عوارض مرض که به اطفال بیش تر از [این] گونه شهرها به واسطه عدم مراعات حفظ الصحه طاری می شود، بیش از این تخمین نمی توان نمود) هزار طفل می شود. از این عده نیز چهار صد نفر به طور حتم مستغنی از مدارس مجانی هستند، باقی می ماند ۶۰۰ نفر. بنابراین چهار مدرسه در خود شهر لازم است. سبزواری جزو بلوک قصبه محسوب می شود و باقی نیز کم تر از ۵۰۰۰ خانوار (۲۴۰۰۰ نفر) ندارد و این هم می شود سه مدرسه (جمعاً هفت مدرسه و سایر بلوکات هشتگانه - که عبارتند از: کراب، طبس، تکاب، شامکان، کوه میش، کوه بمانی، کاه و بالشر، براکوه و مزینان - نیز هر کدام یک مدرسه، می شود ۹ مدرسه، جمع کل ۱۶ مدرسه.

۱۰- کتب کلاس: تقریباً کتب کلاس مدرسه، مطابق با پروگرام می باشد.

۱۱- راپورت مدرسه دولتی: در سبزواری، مدرسه دولتی افتتاح نشده است.

۱۲- صلاحیت کسانی که متصدی مدارس مجانی می توانند بشوند: در این باب با رئیس اوقاف و معارف قرار شد که اعلانی نموده و معلمین و مدیران داوطلب را، پس از امتحان ابتدائی به این شغل بگمارد. چه با این شهریه که معین شده است، از خارج نمی توان معلم خواست و امتحان معلمین هم به همان آقا شیخ محسن و آقا شیخ آقا - که معلوماتشان قابل توصیف است - واگذار گردید. ۱۳- گنجایش محل برای مقدار مدارس مفتوحه: حالیه چون از مالیات معارفی بیش از هزار و دویست تومان در سال اخذ نمی توان کرد، قرار بر این شد که با آن وجه عجلتاً دو مدرسه در خود شهر سبزواری تأسیس شود هر کدام به ۶۰۰ تومان از این قرار: یک نفر مدیر، دو معلم هم باشد از ۱۲ الی ۱۵ تومان، سه معلم دیگر از قرار ۸ تومان الی ۱۰ تومان، کرایه خانه و فراش ۱۱ تومان، جمعاً در ماه ۵۰ تومان.

۱۴- کلیه عایداتی که از جوه غیر مستقیم مانند نواقل و غیره برای مدارس اخذ می شود: از این بابت، سابقاً و لاحقاً چیزی اخذ نمی شده است.

می تواند دریافت دارد.

رابعاً خندقهای اطراف شهر، دولتی است که باید به منافع عمومی صرف شود؛ عایدات آن تقریباً دو سال دو هزار تومان و اگر وزارت جلیله مساعدتی بفرماید، محل خوبی برای مصارف است و این وسایل - که ذکر شد - تماماً عملی و بعلاوه حق مشروع معارف می باشد [که] در صورت اجرا مطابق معروضات فوق، مسلماً بالغ [بر] دو هزار و پانصد تومان می گردد. اما آنچه که می توان محلهای جدیدی برای توسعه معارف در نظر داشت، بهترین آن طرق مالیات یک شاهی بر هر بار می باشد. چون شهر تجارتمی است و وارد و صادر آن بی اندازه محل توجه است، می توان در کمال سهولت از هر باری یک شاهی گرفت و از دروازه های پنجگانه، هر کدام دو بیست بار وارد می شود، هزار شاهی پنج تومان و چه اقل آن روزی سه تومان کسر نمی شود؛ ماهی نود تومان، سالی ۱۰۸۰ تومان. آن وقت به این مبلغ و وسایل سابق الذکر، آیا کلاً نمی توان معارف سبزووار را تأمین نمود؟

اینها، وسایلی است مطابق تحقیقاتی که اینجانب نموده است. فوق العاده اجرای آنها برای وزارت جلیله سهل است و به اندک توجهی، می توان گفت سبزووار از حیث مدارس ابتدائیه و نشر علوم، یکی از بهترین شهرهای ایران محسوب گردد.

اما - در باب مدارس متوسطه دولتی غیرمجانمی، در این باب نیز وزارت جلیله، می تواند در کمال سهولت به انجام مقاصد خود موفق گردند و بهترین طریقه عملی آن، از این قرار است: مدرسه خیریه - که دارای چهار کلاس بیش نیست - چنانچه در فوق ذکر شد، سابقاً دارای نه کلاس بوده و امروزه به واسطه کسر بودجه دولت از بین می رود. خیلی بجاست منافع فاضلاب را - که علی التحقیق در صورت وصول کمتر از پانصد تومان نمی گردد - به انضمام سیصد تومان آقا میرزا حسن، به مصرف کلاسهای مدرسه خیریه رسانید. یعنی مدرسه خیریه را، مدرسه متوسطه نموده، مخارج اضافی آن را از این محل پرداخت. به نظر اینجانب، بدین طریق چیزی نمی گذرد که مدرسه، خرج و دخل آن مساوی شده و آن وقت این مبلغ را می توان به مصرف دیگر رسانید. علی ایحال، مستدعی هستم از هر جا در باب معارف سبزووار در وزارت جلیله بذل مساعدتی فرمائید؛ چه، مانع مفقود و منقضی موجود است.

گذشته از اینکه تا حکم وزارتمی به اداره معارف و اوقاف سبزووار در افتتاح مدارس و اخذ این عایدات نرسد، طبقات متنفذه، در پرداخت و جوه مسامحه خواهند داشت. برای حائری مفتش سیار معارف و اوقاف

محل مهر: باقر ابن عبدالله

متن سند

وزارت علوم و معارف و اوقاف، اداره علوم، معارف و اوقاف سبزووار، نمره ۴۶، به تاریخ ۷ ثور پیچی نیل ۱۲۹۹ ش.

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامته شوکته! سابقاً هم راپورت تقدیم شده، مدرسه ملی سبزووار موسوم به خیریه - که هشت سال است مفتوح گردیده - چون مدیر و معلمین آن در تحت هیچ مسئولیتی نیستند و برای ترقیات اطفال سعی و کوشش نکرده اند، از چهار کلاس - که دروس آنها هم ابتدائی می باشد - ترقی نکرده، فدوی به ملاحظه مسئولیتی که دارد، خواست مداخله نماید. اولاً ماهانه اطفال را مرتب و کلاس پنج و شش دایر و معلم برای آنها وارد نماید. مدیر و معلمین مدرسه - که جز استفاده و دخل مقصودی ندارند - به هر

تشبثی مانع شدند. اهالی سبزووار، چون در اطفال خود ترقیات ندیده، این است اطفال خود را در کوچه و بازار به مکتبخانه ها سپرده، اگر این مدرسه رسماً در تحت نظر اداره معارف نباشد و معلمین فاضل نداشته باشد، مدرسه دولتی سهل است، کلیه مدرسه ها [در این ولایت منسوخ خواهد شد.

[امضا:] محسن - کفیل اداره معارف و اوقاف

[حاشیه:] آقا میرزا محسن خان، رسیدگی خواهند کرد.

- ضبط شود.

۲۱۱۹۲-۲۹۷-۳۱۶ ض ۳ آ پ ۱

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره کتاب ثبت ۱۶۳، کارتن ۱۲، دوسیه ۴، تاریخ ۱۰ برج ثور قوی نیل ۱۲۹۸ ش.

آقای رئیس معارف خراسان، جناب آقای آقا شیخ محسن، مدیر مدرسه خیریه سبزووار - [که] گذشته از مراتب فضل و کمال، از جمله اشخاص بصیر و مهذب الاخلاق و از دوستان و مخصوصان اینجانب است - بوده و حالیه در سبزووار مدرسه خیریه را مدیر و از قرار راپورت غیر مستقیمی که رسیده، در تأسیس و تنظیم آن مدرسه زحمات کشیده و خدمت خود را به عالم معارف مشهود داشته اند. لازم است اداره معارف خراسان، با امثال ایشان کمال مساعدت را امرعی و منظور دارند که اهالی آن صفحه از وجود ایشان کاملاً استفاده نمایند لهذا این مختصر را می نویسد.

اولاً - اختصاص ایشان را به اینجانب مستحضر باشید.

ثانیاً - در امر مدرسه خیریه متعلق به ایشان، مراقبت و توجه مخصوص نمایند که از هر جهت مساعدت به عمل آید؛ در صورتی که میل داشته باشند جزو مدارس ابتدائی مجانی دولتی هم بشود، ضرری ندارد، با همان دستوری که سایر مدارس دارند مطابق آن، معمول و رفتار خواهند نمود. هر گاه مایل به ترتیب سابق خود باشند، باز هم در مواقع لازمه، کمال مساعدت را ملحوظ دارید و اظهارات ایشان را مبنی بر صحت و محترم بشمارید.

رکن الملک

۲۱۱۹۲-۲۹۷-۳۱۶ ض ۳ آ پ ۱

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره کتاب ثبت ۱۶۰، کارتن ۱۲، دوسیه ۴، صادر خراسان، تاریخ ۱۳ ثور ۱۲۹۸ ش.

تلگراف

آقای رئیس معارف خراسان! تلگراف نمره ۱۱۳ واصل، حواله ائانه کلیه مدارس ایالتی بر طبق پیشنهاد خودتان، تلگرافاً صادر گردید.

ضیاء الحق، رئیس معارف سبزووار است. وجه ائانه را با دستور کامل برای مشارالیه بفرستید. نیشابور هم نماینده معارف ندارد. ممکن است برای تأسیس مدرسه دولتی، یک نفر به آنجا روانه نمایند.

[امضا:] اعلم الدوله

۲۱۱۹۲-۲۹۷-۳۱۶ ض ۳ آ پ ۱

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف، مورخه ۱۴

شور قوی نیل ۱۲۹۸ش.

مشهد - آقای رئیس معارف! ضیاء الحق، رئیس معارف سبزوار است. بودجه معارف را با دستور به مشارالیه بدهید. نیشابور، نماینده معارف فعلاً ندارد، ممکن است برای تأسیس مدارس یک نفر به آنجا بفرستید.

۲۱۱۹۲-۲۹۷۰-۳۱۶ ض ۳ آپ ۱

متن سند

وزارت جلیله معارف و اوقاف، اداره معارف خراسان، نمره ۴۱۱، مطابق ۱۸ برج سرطان قوی نیل ۱۲۹۸ش.

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامت شوکته، ذیل نمره ۲۱۲ معروض داشت که امور معارفی و تأسیس مدرسه دولتی سبزوار را به آقای کاشف الممالک - که شخصی لایق و جدی است - محول داشته؛ مشارالیه در این مدت با کمال جدیت به توسعه معارف آن حدود مشغول بوده است و مدرسه دولتی آنجا [را] عنقریب افتتاح خواهد نمود. مستدعی است مقرر فرمایند، حکم نمایندگی معارف مشارالیه را صادر نمایند که از روی دلگرمی، به خدمات معارفی مشغول باشد.

[امضا]: احمد ۷۶

[مهر]: اداره معارف خراسان

[حاشیه]: اداره معارف، صادر نمایند.

- پرسنل.

- در روی ورقه کوچک، از تاریخ اول اسد صادر نمایند.

۲۱۱۹۲-۲۹۷۰-۲۲۷ ض ۴ آپ ۱

متن سند

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از سبزوار به طهران، نمره تلگراف ۵۲، تاریخ ۷ سنبله ۱۲۹۸ش.

مقام منبع وزارت جلیله معارف کبیله رعد ایران! از اهتمام بلیغ اولیای محترم معارف خصوصاً توجه کامل حضرت اشرف و زحماتهای کاشف الممالک، نماینده معارف سبزوار، از تأسیس مدرسه مجانی دولتی نهایت تشکر را تقدیم و از انفصال ضیاء الحق از ریاست معارف، به واسطه عدم لیاقت و مهملی ایشان، عموماً متشکر و امیدواریم معارف سبزوار من بعد به توفیقات عالیّه نائل گردد. جمیل عباسی، محمد علی، ولی الله علوی، محمد علوی، سلیمان، محمد حسین، محمد مهدی، علی حسینی، علی محمد، حسین، اسمعیل، رمضان، حیدر، محمد رضا، یوسف، رضا، حبیب الله، حسین اف، محمد حسین، حسین علوی، محمد مهدی اف، محمد، ابراهیم، حسن میرزا، حسین، احمد عباس، علی رمضان، محمد علی، رحمت الله، حسینعلی، حسین، رجب علی، حسینعلی، حسین، محمد رضا.

[مهر]: تلگرافخانه مبارکه

۲۱۱۹۲-۲۹۷۰-۲۲۷ ض ۴ آپ ۱

متن سند

وزارت جلیله معارف و اوقاف، اداره معارف خراسان، نمره ۶۶۵، مورخه ۲۰ شهر ذیحجه ۱۳۳۷ق. مطابق ۲۴ برج سنبله قوی نیل ۱۲۹۸ش. مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامت شوکته! آقای کاشف

الممالک، نماینده معارف در مدت اقامت [در] سبزوار، با کمال جدیت به توسعه معارف آن حدود مشغول بوده و مدرسه دولتی سبزوار را تأسیس و امور آن را مرتب نموده. اخیراً به حکم ضرورت، سه ماهه تحصیل مرخصی نموده، به طهران حرکت کرده است؛ کفالت امور معارفی و مدرسه دولتی را به آقای فخیم الملک، کارگزار و اگذار نموده است. محض استحضار خاطر مبارک - سواد تلگراف و مراسله مشارالیه را لفاً تقدیم می دارد.

[امضا]: فدوی احمد

[مهر]: اداره معارف خراسان

۲۱۴۲۸-۲۹۷۰-۲۲۷ ض ۴ آپ ۱

متن سند

وزارت علوم و معارف و اوقاف، اداره معارف و اوقاف سبزوار، اعلان، نمره ۲۰، به تاریخ ۲۷ برج دلو ۱۲۹۸ش.

مدرسه خیریه سبزوار - که از عایدات محلی اداره می شود - چون به ترتیب صحیح اداره نشده است، بنابر شکایات معلمین و کارکنان آن مدرسه، هر ماهی مبلغی کسر عایدات دارند و تکمیل نواقص آن جبران نمی شود مگر پروگرام و دستور عمومی مملکتی وزارت جلیله معارف رعایت شود. اداره معارف سبزوار، بر حسب وظیفه، مدارس دولتی و ملتی را تحت نظر گرفتند، در ترقیات محصلین مجبور است کوشش نماید. لهذا به عموم آقایان و تجار محترم و اولیای اطفال و محصلین مدرسه خیریه، محترماً اخطار می نماید که از اول برج حوت ۹۸، ماهانه اطفال از قرار ذیل دریافت خواهد شد که نواقص مدرسه به اهمال و متدرجاً رفع و مزاحمت آقایان معارف خواهان محترم و شکایات کارکنان آن مدرسه، مرتفع گردد. اداره معارف سبزوار، در نظر دارد با کمال عجله برای ترقیات اطفال - که در این مدرسه مدت مدید تحصیل نموده و بیش تر از چهار کلاس ندارد - کلاس پنج و شش آن [را] بفوریت تأسیس نماید و معلمین فاضل وارد و کلیه محاسبات مدارس بر حسب وظیفه در تحت نظر اداره معارف عایدات و مخارجات مدارس را به طور اعلان هر چهار ماه یک مرتبه به نظر عموم خواهد رسانید.

کلاس اول، پنج قران؛

کلاس دوم، هفت قران؛

کلاس سیم، هشت قران؛

کلاس چهارم، یک تومان.

محمد - کفیل معارف و اوقاف سبزوار [امضا]

[مهر]: معارف و اوقاف سبزوار

[حاشیه]: این سطر، راجع به ایشان نیست؛ باید در تحت نظر شما کمک نمایند و مدیر مدرسه باشد بدون اطلاع اعلان بموقع است، [...] ندارد.

۲۱۱۹۲-۲۹۷۰-۳۱۶ ض ۳ آپ ۱

متن سند

وزارت جلیله معارف و اوقاف، اداره معارف سبزوار، نمره ۶۷، به تاریخ ۱۷ جمادی الثانیة ۱۳۳۸ق. مطابق ۱۹ برج حوت ۱۲۹۸ش.

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف - دامت شوکته! فخیم الملک، کارگزار سبزوار - که فعلاً منفصل و در سبزوار است - پنج ماه از سنبله الی آخر جدی، از طرف کاشف الممالک کفالت داشته، رسیدگی به مدرسه دولتی نموده

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۲۵۹۱۱۵، سنبله قوی
ثیل ۱۲۹۸ ش.

چون اهالی گرجی تربت حیدریه، تقاضای تأسیس مدرسه مذکور [را] در حد ابتدایی به نام مدرسه (کریمیه) و به مدیریت در قریه گرجی تربت حیدریه نموده اند، لهذا وزارت معارف، اجازه می دهد که مدرسه مزبوره را دایر و تأسیس نموده، مشروط بر اینکه کاملاً مقررات قانونی رارعايت کرده و مواد پروگرام رسمی را دقیقاً مجری دارند.

[امضا] عمادالملک

۱۳۱۹۳-۲۹۷-۶۰۷ د ۵ آ پ ۱

مدرسه دولتی سرخس

مدرسه دولتی سرخس، در سرطان سال ۱۲۹۸ ش. تأسیس گردید. این مدرسه، دارای دو پایه تحصیلی بود که در مجموع چهل و یک محصل داشت. کوچک ترین شاگرد کلاس اول مدرسه ۶ سال و بزرگ ترین آنها ۱۵ سال و در کلاس دوم، کوچک ترین شاگرد ۷ سال و بزرگ ترین آنها ۱۵ سال سن داشته است. محل مدرسه، اجاره ای بوده که اجاره بهای آن پنج تومان در ماه تعیین گردید. بودجه سالیانه مدرسه، بالغ بر نهصد تومان بود که از چهار محل ذیل:

- ۱- گمرک، هر عدلی دو شاهی؛
- ۲- قرای سرحدی، هر خانواری نیم قران؛
- ۳- از تریاک خروجی از سرخس؛
- ۴- از مالیه.

تأمین می گردید. (۷۸) کسری بودجه نیز، از اداره مالیه بابت عواید معارفی دریافت می گردید. کارکنان و معلمان مدرسه، عبارت بودند از: میرزا عبدالعلی خان (نماینده معارف و مسئول نظم مدرسه)، میرزا محمد خان (معلم فارسی و ادبیات) و میرزا صادق خان (معلم ابتدایی) و حقوق دو نفر اول، ماهی بیست و پنج تومان و حقوق میرزا صادق خان، پانزده تومان در ماه بوده است. (۷۹) در ضمن، مدارس دیگر از جمله مدرسه مسعودیه در گز، مدرسه خیریه لطف آباد، مدرسه رشتخوار و سایر مدارس خراسان را، انشاء الله در کتابی - که وعده داده شده - خواهیم نوشت.

و هر ماه پنجاه تومان مرتباً از مالیه گرفته که حقوق معلمین و غیره مخارج مدرسه قبل از ورود بنده جز ماهی سی تومان خرج نکرده و بیست تومان اول زمستان از مالیه پول سوخت برای مدرسه گرفته، دو خروار سوخت منتها شش تومان می شود، بیش تر نخریده، باقی بیست تومان و هر ماهی نوزده تومان اضافه پنجاه تومان معارف را حیف [و] امیل نموده و در این مدت، چندین فقره به خود مشارالیه کتباً اظهار شده و به حکومت و کار گزار جدید رسماً شکایت شده، در دادن حساب مدرسه، استتکاف می نماید. مستدعی هستیم به مقامات مقتضیه، امر صادر فرمایند که مشارالیه را مجبور به دادن حساب نمایند. امر، امر مبارک است.

[امضا] محمد - کفیل معارف و اوقاف سبزوار

[مهر] امین اوقاف سبزوار

۲۱۳۵۸-۲۹۷-۱۰۲ ض ۴ آ پ ۱

متن سند

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره کتاب ثبت ۱۹۹۲، کارت ن
۱۲، دوسیه ۴، تاریخ ۲۴ حوت ۱۲۹۸ ش.

آقای کفیل معارف و اوقاف سبزوار، راپورت نمره ۳۱ ملاحظه شد. به آقای آقا میرزا محسن خان، رئیس معارف خراسان - که عنقریب عزیمت خواهند نمود - دستور داده شد که پس از رسیدن به سبزوار، چند روزی در آنجا توقف نموده، امور معارف آنجا را منظم [نمایند] و دستور العملی که لازم است بدهند.

اعلم الدوله

۲۱۱۹۲-۲۹۷-۳۱۶ ض ۳ آ پ ۱

مدارس تربت حیدریه

تا به حال در مجموعه اسناد مدارس خراسان، جز تقاضای اهالی گرجی مبنی بر تأسیس مدرسه در این قصبه، سند دیگری درباره مدارس این شهر به دست نیامد. از این رو، برای خالی نبودن جایگاه مدارس این شهر، از اطلاعات کتاب مدارس جدید در دوره قاجاریه و شرح احوال ملک الحکمای کاشانی بهره می جویم و تنها سند به دست آمده را، در پایان می آورم.

مدرسه احمدی

در سال ۱۳۳۲ ق. تأسیس شد و براساس آمار سال ۱۳۰۶ ش.، مدرسه، در این سال دارای ۱۴۴ محصل و پنج آموزگار بوده و بیست و پنج محصل بر ایگان در آن تحصیل می کردند.

مدرسه اتحادیه دولت آباد

طبق احصائیه مدارس ایالت خراسان در سال ۱۲۹۷ ش.، مدرسه، در این سال دارای شش کلاس بوده است.

مدرسه دولتی

این مدرسه، در سال ۱۲۹۸ ش. دایر گردید و طبق احصائیه سال ۱۳۰۶ ش.، مدرسه دولتی در این سال ۷۶ شاگرد رایگان و سه معلم داشته و تعداد فارغ التحصیلان مدرسه، تا آن تاریخ بالغ بر بیست نفر بوده است. (۷۷)

پی نوشتها:

- ۱- مدرس رضوی، محمد تقی. سالشمار وقایع مشهد (در قرنهای پنجم تا سیزدهم)، به کوشش ایرج افشار (مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.)، ص ۲۲۳.
- ۲- کنی، علی. سازمان فرهنگی ایران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ ش.)، ص ۲۰.
- ۳- مدرس رضوی، محمد تقی، همان، ص ۲۲۳.
- ۴- رضوانی، محمد اسماعیل. انقلاب مشروطیت ایران (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲ ش.)، ص ۴۶.
- ۵- مدرس رضوی، محمد تقی. همان، ص ۲۲۳.
- ۶- محمد حسن خان، فرزند میرزا محمد خان ندیمبانی، در ۲۵ ربیع الثانی سنه ۱۲۶۹ ق. در تهران بدنیا آمد. (گرچه او در تهران بدنیا آمد، ولی بیشتر عمر خود را در مشهد گذراند.)
- وی در شش سالگی به مکتب رفت و نزد معلم مخصوص ملا محمد علی کاشانی خواندن و نوشتن آموخت، و خط رانیز نزد پدرش که به حسن خط، بخصوص نستعلیق شهرت داشت تعلیم یافت. پس از آن که از کتب مقدماتی اعم از فارسی و عربی فارغ و مهارتی حاصل کرد، علم تجوید و قرآنت قرآن را در خدمت شیخ جابر عرب کاظمینی که عارفی معمر و مهذب در ادبیات فارسی و عربی بود، و انس و الفتی با پدرش داشت، فرا گرفت. و برای کسب علوم متوسطه به شیوه جدید، در سن نه سالگی، در مدرسه دار الفنون دولتی پذیرفته شد، و با به پایان رساندن دوره متوسطه، در محرم سنه ۱۲۸۲ ق. به همراه پدرش ندیمبانی شاهزاده جلال الدوله سلطان حسین میرزا که در این زمان به فرمانفرمایی خراسان منصوب شده بود، روانه خراسان شد. در سفر اول ناصرالدین شاه به خراسان به سال ۱۲۸۴ ق. یکی از ملازمان شاهزاده بود، ولی شاهزاده در این سال به مرض و یادر گذشت، و محمد حسن خان به همراه خانواده به تهران بازگشت. اما دیری نگذشت که پدرش مجدداً به معاونت ایالت خراسان منصوب، و او نیز ناگزیر به مشهد بازگشت، و در مدارس قدیمه مشهد به تحصیل علوم متداوله مشغول شد. او دوره ادبیات، علم نحو و صرف و معانی بیان، بدیع و اشتقاق، املا و انشا، لغت، عروض و قافیه، منطق، هیات رانیز در نزد میرزا رضا وزیر خواند.
- دیری نگذشت که پدرش به همراه اسام السلطنه به طهران بازگشت، ولی محمد حسن در خراسان ماند و به مشاغل دیوانی و کارهای اداری مشغول شد. در همین سمت نزد حاجی میرزا جعفر رئیس الاطبا که طبیبی حاذق بود، قانون طب و خط شکسته نویسی را فرا گرفت، و برای کسب علوم، علم الادیان، فقه، تفسیر، اخبار، احادیث و خطب نهج البلاغه را نزد حاج ملا جعفر رفت. محمد حسن چنان در علم طب مهارت یافت که گاهی به نیابت رئیس الاطبا به معالجه بیماران می پرداخت.
- در دوره فرمانفرمایی رکن الدوله، محمد تقی میرزا در خراسان، رقم شغل ندیمبانی گری و لقب سلطان الشعرایی بنام او صادر گردید، سپس به قصد تحصیل طب و تکمیل علم و عمل عازم طهران شد، و از اعتضاد السلطنه اجازه ورود به مدرسه دولتی حاصل کرد، مجدداً به دار الفنون رفت، و به تحصیل طب مشغول شد، ضمن تحصیل در مطب مومتن الملک میرزا زین العابدین خان به دستیاری وی مشغول شد.
- در هیجدهم ذی الحجه الحرام ۱۲۹۸ ق. حاجی میرزا حسین خان سپهسالار مشیر الدوله والی خراسان را بگفته مرضی عارض گردید، او را به خراسان فراخواندند. اما قبل از عزیمت نامبرده در گذشت. سپس شاهزاده رکن الدوله مجدداً به ایالت خراسان منصوب گردید، محمد حسن نیز با سمت حافظ الصحه در دهه دوم محرم ۱۲۹۹ ق. عازم خراسان شد، و سال بعد به ریاست مرضیخانه دار الشفای آستان قدس سپس در سال ۱۳۰۶ ق. ریاست طبای نظامی و دو اخانه قشونی هم ضمیمه مشاغل وی شد. به این سبب رتبه سرتیپی هم به او اعطا گردید.
- در سال ۱۳۱۰ ق. شاهزاده مویلد الدوله والی خراسان شد، و او را به لقب ملک الحکامی ملقب گردانید. ملک الحکما پس از انقلاب مشروطیت از طرف وزارت معارف دستور یافت در توسعه معارف خراسان اقدام کند که گامهای اساسی نیز در این راه برداشت. برای اطلاع بیشتر ر. ک: سرگذشت محمدمحسن ملک الحکما، به قلم خود او، نشریه فرهنگ ایران زمین، جلد هفدهم، ۱۳۴۹ ش، صص ۱۴۸-۱۱۸.
- ۷- سرگذشت محمدمحسن ملک الحکما، همان، ص ۱۴۱.
- ۸- صدیق، عیسی. تاریخ مختصر تعلیم و تربیت (تهران: مطبوعه روشنی، ۱۳۱۶ ش.)، ص ۳۶۶.
- ۹- همان، ص ۳۷۷.
- ۱۰- همان، ص ۳۷۶.
- ۱۱- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۶۳۳ غ ۱۳ آ پ ۱.
- ۱۲- شاید بخاطر دو زبان بودن محصلان و مردم این شهر باشند، چون مردم این شهر به زبان کردی تکلم می کنند.

- ۱۳- سیدی زاده، احسان و علی اکبر عباسیان. بجنورد گذرگاه شمالی خراسان (بجنورد: انتشارات اردشیر، ۱۳۷۱ ش.)، ص ۱۴.
- ۱۴- قاسمی پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجاریه (بانیان و پیشروان)، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷ ش.)، ص ۴۰.
- ۱۵- روزنامه روح القدس در تاریخ ۲۵ جمادی الثانی سال ۱۳۲۵ در تهران تأسیس شد و به صورت هفتگی به چاپ می رسید. شماره ۲۶ آن به تاریخ ۱۸ ربیع الثانی سال ۱۳۲۶ می باشد. مدیریت این روزنامه را سلطان العلماء خراسانی به عهده داشت که بعد از بمباران مجلس به دستور محمد علی شاه به قتل رسید.
- مسلك این روزنامه مبارزه علیه استبداد، مخصوصاً شخص محمدعلی شاه بود. از این جهت در انقلاب ۲۶ جمادی الاول سال ۱۳۲۶ ق. اداره روزنامه روح القدس که در یکی از بالاخانه های خیابان چراغ برق تهران بود به دست قشون استبداد اشغال شد. مدیر روح القدس در مقابل اشغالگران مقاومت کرد، به جنگ پرداخت، و عده ای را مجروح کرد؛ بالاخره با تکی مجروح به دست مهاجمان گرفتار گشت. پس از این که سربازان با سرنیزه و ته تفنگ او را از پای آورند، بدن نیمه جان او را به باغشاه آوردند. زنجیر کردند و پس از چندروز او را شهید نمودند، و نعش او را در چاه انداختند.
- ه. ل. زاینی. روزنامه های ایران (از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق. ۱۳۸۹ ش.)، ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.)، ص ۱۴۹.
- ۱۶- افسست روزنامه روح القدس، به کوشش محمد گلین (تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۳ ش.) از روزنامه روح القدس، شماره ۱۰، تاریخ ۶ شنبه ۶ شهر رمضان ۱۳۲۵ ق.، ص ۱۴.
- ۱۷- مومنین بجنورد گذرگاه شمالی خراسان مدرسه همت را نخستین مدرسه تأسیس یافته در این شهر می دانند و می نویسند: اولین دبستان بجنورد به نام (همت) در سال ۱۲۸۵ ش بنیان گذاشته شد.
- احسان سیدی زاده و ... همان، ص ۱۴.
- ۱۸- عزیز الله خان سردار معزز، فرزند یار محمد خان آخرین حاکم محلی بجنورد بود که باروی کار آمدن رضاشاه و اعمال سیاست تمرکز و قلع و قمع طوایف محلی، در تیر ماه ۱۳۰۴ ش در مشهد اعدام شد، و حکومت سیصد و سی ساله خانواده شادلو در شمال غربی خراسان و گرگان پایان گرفت.
- برای اطلاع بیشتر ر. ک: سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی، به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانی (تهران: نشر کت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.)، ص ۳.
- ۱۹- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۵۰۸ غ ۵ آ پ ۱.
- ۲۰- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۰.
- ۲۱- مقیمی، محمد اسماعیل. جغرافیای تاریخی شیروان (مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.)، صص ۱۵۲-۱۵۱.
- ۲۲- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۶۶۳ غ ۱۳ آ پ ۱.
- ۲۳- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۳۰۰۱۸۳۷ محل در آرشو ۸۳۱ ظ ۲ آ پ ۱.
- ۲۴- وزارت فرهنگ (اداره کل نگارش، دایره آمار)، سالنامه و آمار ۱۳۱۸-۱۳۱۹ و ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ش. (تهران: چاپخانه فردوسی، ۱۳۱۹ ش.)، صص ۱۳۷-۱۳۶.
- ۲۵- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۳۰۰۱۸۳۷ محل در آرشو ۸۳۱ ظ ۲ آ پ ۱.
- ۲۶- از سال ۱۲۹۸ ش به بعد ریاست معارف به عهده آقایان سید عبدالله هاشمی، صدر زنجانی، شیخ عبدالغنی برهان، محمدعلی مزرچی، محولاتی، ابوتراب رازانی و ... بوده است.
- شاکری، رضاعلی. اثر کتنامه (تاریخ جامع قوچان)، (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵ ش.)، ص ۲۱۹.
- ۲۷- همان، ص ۲۱۹.
- ۲۸- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۶۶۳ غ ۱۳ آ پ ۱.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۱.
- ۳۱- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۶۶۳ غ ۱۳ آ پ ۱.
- ۳۲- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۱.
- ۳۳- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۱۴۵۸۰ محل در آرشو ۸۰۸ ر ۱۳ آ پ ۱.
- ۳۴- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۶۶۳ غ ۱۳ آ پ ۱.
- ۳۵- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۱.
- ۳۶- همان، ص ۴۲۲.
- ۳۷- اصل: اساسیه.
- ۳۸- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۱۵۹۷۴ محل در آرشو ۷۱۵ ز ۵ آ پ ۱.
- ۳۹- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشو ۶۶۳ غ ۱۳ آ پ ۱.
- ۴۰- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۲.
- ۴۱- یاقفی، محمدجعفر و خدیجه بودو جمهوری. فردوس اتون (تاریخ و جغرافیا) (مشهد:

- ۶۲- نماینده دوره دوم از حوزه سبزوار در مجلس شورای ملی. عطاالله فرهنگ قهرمانی. اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی (از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری)، (تهران: مجلس شورای ملی، ۱۳۳۶)، ص ۱۸.
- ۶۳- نماینده دوره ۳ نیشابور، ۴ مشهد، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ سبزوار در مجلس شورای ملی. عطاالله فرهنگ قهرمانی. همان، ص ۴۲۷.
- ۶۴- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۷۷۱۰ محل در آرشیو ۵۲۵ ف آ ۱ پ ۱.
- ۶۵- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۱۱۹۲ محل در آرشیو ۳۱۶ ض آ ۱ پ ۱.
- ۶۶- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشیو ۶۶۳ ض آ ۱ پ ۱.
- ۶۷- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۱۱۹۲ محل در آرشیو ۳۱۶ ض آ ۱ پ ۱.
- ۶۸- همان. سند شماره - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشیو ۶۶۳ ض آ ۱ پ ۱.
- ۶۹- همان. سند شماره - ۲۹۷۰۲۱۱۹۲ محل در آرشیو ۳۱۶ ض آ ۱ پ ۱.
- ۷۰- همان. همان شماره و محل.
- ۷۱- کاشف الممالک. فرزند محمد ابراهیم کاشانی به سال ۱۳۰۵ ق. در همدان بدینا آمد. او تحصیلاتش را در کالج فرانسه در اسلامبول به پایان رساند و به زبانهای فارسی، عثمانی، فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد. پس از بازگشت به ایران در اول برج ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۷ ق. بونت نیل به خدمت معارف درآمد و در ۱۸ سرطان (تیر) قوی نیل ۱۲۹۸ ق. به نمایندگی معارف سبزوار منصوب شد. در همان سال مدرسه دولتی سبزوار را تأسیس و امور آن را مرتب کرده و به پاس خدماتش موفق به دریافت نشان مطلق گردید. میرزا احمد خان (رئیس وقت معارف خراسان) درباره کاشف الممالک نوشته است: آقای کاشف الممالک از جوانان تحصیل کرده جدی در دست هستند، در صورتیکه مراتب معلومات و لیاقت مشارالیه مورد توجه مقام وزارت جلیله واقع گردد برای خدمات معارفی از هر جهت صلاحیت دارند. متأسفانه اخیراً به واسطه مخالفت چند نفر از مغرضین سبزوار راجع به امور تحدید و آقای ضیاءالحق آ نماینده سابق معارف و امین اوقاف سبزوار ادور امور معارف مشارالیه از خدمات دولتی دیسر د شده، سه ماهه اجازه مرخصی گرفته، پنج روز قبل به طهران عزیمت نمودند.
- ۷۲- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۱۴۲۸ محل در آرشیو ۲۲۷ ض آ ۱ پ ۱.
- ۷۳- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشیو ۶۶۳ ض آ ۱ پ ۱.
- ۷۴- همان. سند شماره - ۲۹۷۰۲۱۱۹۲ محل در آرشیو ۳۱۶ ض آ ۱ پ ۱.
- ۷۵- جهت تسهیل استفاده از اسناد و خودداری از تکرار شماره اسناد و محل در آرشیو، مشخصات هر سند در ذیل سند قید کرده است.
- ۷۶- میرزا احمد خان فرزند محمد باقر در ربیع الاول ۱۳۰۸ ق. در تهران به دنیا آمد. در تهران و کاشان به تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را در مدرسه علوم سیاسی به پایان رسانید و موفق به دریافت تصدیقنامه دیپلم گردید، سپس در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری استخدام و کار خود را با منشی گری در اداره روس و وزارت امور خارجه شروع و بعد به ریاست محاسبات تذکره خراسان و پس از آن به سمت کفالت امور تذکره خراسان منصوب شد، و در سال ۱۲۹۷ ش. عهده دار ریاست معارف خراسان گردید. سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (بونت نیل ۱۲۹۷)، تهران: مطبعه تهران، ص ۳۰ و ۱۰۴.
- ۷۷- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۱.
- ۷۸- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشیو ۶۶۳ ض آ ۱ پ ۱.
- ۷۹- همان. همان شماره و محل.
- ۸۰- استاد رمضانعلی شاکری در کتاب "آتر کنامه" به نقل از رساله "سیر فرهنگ فوجان" تألیف استاد محمد جاباتی تاریخ افتتاح مدرسه ملی فوجان را ۱۲۹۵ ش. ذکر کرده اند. رمضانعلی شاکری، همان، ص ۲۱۹.
- * با تشکر از مساعدت همکاران، بخصوص جناب آقایان علی سوری، علی احسانی مقدم، امیر علی کشاورز میرزا محمدی و سرکار خانم فریبا خردپیشه و همکاران اتاق تحقیق.
- موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش (ص ۱۳۹).
- ۴۲- نویسندگان کتاب فردوس اتون نوشته اند: در اوایل دوران مشروطه اولین مدرسه وابسته به وزارت معارف بنام سالاریه در این شهر شروع به کار نمود، و نیز مدرسه تون به همت اهالی و مخصوصاً حجة الاسلام نجفی در سال ۱۳۱۲ ش. تأسیس گردید. یاقفی، جعفر و... همان، ص ۱۳۹.
- ۴۳- سازمان اسناد ملی ایران. شماره سند - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشیو ۶۶۳ ض آ ۱ پ ۱.
- ۴۴- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۱۸۱۳۴ محل در آرشیو ۱۰۹ ش آ ۱ پ ۱.
- ۴۵- آقاشیخ محمد علی صلاحی، فرزند آقاشیخ علی اکبر، در سال ۱۳۰۹ ق. در گناباد بدینا آمد، و ساکن جویمند گناباد بود. تحصیلات او در زمینه عربی، فقه، منطق، معانی بیان و ریاضیات بود. وی در تاریخ ۲۰ ثور قوی نیل ۱۲۹۸ ش. با حقوق ماهیانه ۲۰۰ قران به استخدام معارف درآمد، سپس سمت ریاست معارف گناباد، کاخک و بیجستان را احراز کرد. از مهمترین اقدامات او در این سمت تأسیس یک باب مدرسه دولتی و یک کلاس اکابر در گناباد بوده است.
- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۱۸۱۳۴ محل در آرشیو ۱۰۹ ش آ ۱ پ ۱.
- ۴۶- همان سند و شماره.
- ۴۷- بهینا، محمدرضا. بیر جند نگین کویر (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش). ص ۲۱۷.
- ۴۸- امیر اسماعیل خان شوکت الملک، فرزند امیر علم خان حشمت الملک و در دوره ناصرالدین شاه قاجار، حاکم قیانات بود. او در زمان حکمرانی خود، بنای حسینیه ای در بیر جند گذاشت که در زمان خود بزرگترین و مجللترین ساختمان بیر جند بود. مجالس عزاداری و تشریفات حکومتی اغلب در آنجا منعقد می گردید. بنای آن در سال ۱۳۰۸ ق. به دست استادان و معماران بزدی شروع و در سال ۱۳۱۲ ق. به پایان رسید که بامرور ایام به شوکتیه معروف گردید. همانطور که قبلاً نیز گفته شد، چون او فاقد فرزند بود، نث اموال خود را وقف بر امور خیریه کرد و تولیت آن را به برادر کوچک خود محمد ابراهیم داد. پس از فوت وی، محمد ابراهیم حکمران قیانات شد و مدرسه جدید را در همان محل دایر کرد و به نام مدرسه شوکتیه نامگذاری شد.
- بالتلیخص از کتاب "امیر شوکت الملک علم"، تألیف محمدعلی منصف (تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۴ ش). ۱.
- ۴۹- امیر اسماعیل خان شوکت الملک در وصیت نامه اش بیشترین سهم و اختیار در املاک خود را به برادر کوچکترش محمد ابراهیم خان اختصاص داده بود که همین مسئله باعث اعتراض حسامالدوله گردید و موجب شد تا محمد ابراهیم خان علم هم بلاکراه از سهمیه خود از آن یک نث که بین الورثه مقرر بود و باید بین دو برادر و یک همشیره قسمت می شد صرف نظر کرده و مابقی املاکات یک نث اختصاصاً و یک نث تولیت به ضمیمه متوفات و عمارات داخل در مستملکات سرکار امیر شوکت الملک است.
- محبوب فریمانی، الهه. اسناد حضور دولتهای بیگانه در شرق ایران (مشهد: سازمان کتابخانه، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش). ص ۶۰. به نقل از وصیت نامه محمد اسماعیل خان شوکت الملک علم، موجود در گنجینه اسناد، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۶۱۴.
- ۵۰- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۱.
- ۵۱- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۶۸۴۷ محل در آرشیو ۳۰۵ ض آ ۱ پ ۱.
- ۵۲- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۷۰۱۳ محل در آرشیو ۱۰۳ ض آ ۱ پ ۱.
- ۵۳- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۱۵۹۶۶ محل در آرشیو ۷۰۷ ض آ ۱ پ ۱.
- ۵۴- قاسمی پویا، اقبال. همان، ص ۴۲۱.
- ۵۵- روزنامه مجلس، سال دوم، شماره ۹۵، دوشنبه یازدهم ربیع الاول ۱۳۲۶ ق.، ص ۴.
- ۵۶- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۵۷۰۸ محل در آرشیو ۵۰۹ ض آ ۱ پ ۱.
- ۵۷- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۶۲۹۶ محل در آرشیو ۶۳۹ ض آ ۱ پ ۱.
- ۵۸- کرآب، طیس، نکاب، شامکان، کوه میش، کوه بمانی، کاه و باشتر، برآکوه و مزینان.
- ۵۹- غلامحسین افضل الملک در سال ۱۳۲۰ ق. به خراسان ماموریت یافت و در سال بعد دیده و شنیده های خود را به رشته تحریر درآورد. او درباره هریک از شهرها و مناطق مسیرش شرحی نوشته از جمله در یکی از مدرسه های قدیمه سبزوار نوشته است: "مدرسه کهنه ای در سبزوار است که معروف به فخریه است و من آن را دیده ام و از بناهای فخرالدوله دیلمی است و من شک دارم که از بناهای او باشد؛ تولیت آن هنوز با سادات بنی المختار است."
- غلامحسین خان افضل الملک، سفر خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی زعفرانلو (تهران: انتشارات توس، آبی تا)، ص ۱۰۱.
- ۶۰- سازمان اسناد ملی. سند شماره - ۲۹۷۰۲۱۱۹۲ محل در آرشیو ۳۱۶ ض آ ۱ پ ۱.
- ۶۱- همان سند.

